



در این شماره:



چشن مهرگان خجسته باد



بازسازی شناسه ی ایرانیان



دروغگو را دوست مباحی



زبان پارسی و پشتون



بازمانده های فرهنگی



بانوی نام آور ایرانی
خانم پرینا خسروی

همپار سالار بخشی خبر در سی ان ان



ماهنامه زرتشتیان



یادداشت سردبیر

سخن نخست

خلیج همیشه فارس

سروده: خداداد خدابخشی

ای نور چشم مردم ایران خلیج فارس
وی زادگاه خوب دلیران خلیج فارس
ای قشم و کیش و ابوموسی عزیز
هنگام و خارک، هرمز و لاوان، خلیج فارس
پر آب باش و همواره بی گزند
ای در بی بدیل درخشان خلیج فارس
دارای بنادری چون لنگه و پر ستاره وار
هم دیلم و گناوه و کنگان خلیج فارس
بوشهر و بندر عباس و جاسک هم
نورانی اند چون خور تابان خلیج فارس
پر آب باش و همواره بی گزند
ای در بی بدیل درخشان خلیج فارس
تنب بزرگ و کوچک زیبا و دلفریب
چون مهر و ماه فروزان خلیج فارس
یا خارک و کنگ بندر و اروند رود
کاروان سرافراز عرصه میدان خلیج فارس
پر آب باش و همواره بی گزند
ای در بی بدیل درخشان خلیج فارس
خرم چو شهر خرم و با بندری عظیم
همسایه بزرگ آبادان خلیج فارس
از بندر امام و بندر دیگر ار بگویمت
دارای بنادری چه فراوان خلیج فارس
پر آب باش و همواره بی گزند
ای در بی بدیل درخشان خلیج فارس
خوش تنگه ایست تنگه هرمز کنار تو
باشد به زیر سایه یزدان خلیج فارس
تو مفتخر به صلح شدی، برقرار باد
این نام نیک درخور و شایان خلیج فارس
پر آب باش و همواره بی گزند
ای در بی بدیل درخشان خلیج فارس
آخر کلام رمز خدابخشی این بود
دنیا شناسد این خلیج به دوران خلیج فارس
پر آب باش و همواره بی گزند
ای در بی بدیل درخشان خلیج فارس

سالیان دراز است که ایران اهورایی، این سرزمین سپندینه (مقدس) زیر یورش دشمنان و بداندیشان بوده است. اکنون نیز همچنان گروهی از بداندیشان در فکر از بین بردن بازمانده های فرهنگی (میراث فرهنگی) و یورش فرهنگی به افتخارهای گذشته این سرزمین اهورایی می باشد.

چندی پیش در یکی از رسانه های ماهانه اقتصادی و مالی معروف امریکا چشمم به بخشی از این نشریه افتاد؛ که نزدیک به یک سوم این نشریه را به کشور امارات متحده عربی برای تبلیغ در کار سرمایه گذاری در آن کشور گرفته بود و از پیشرفت شهرهای خود از جمله دویبی گفته بود. در این نوشتارها امیران و وزیران آن کشور نیز گفتگو داشته و از مردم غرب برای سرمایه گذاری فراخوان شده بود. با شگفتی در هیچ کجا از این نوشتارها نامی از خلیج فارس دیده نمی شد. در چند جا فقط نام خلیج نوشته شده بود. اینها مرا بیاد نکته ای انداخت که چندین روز پیشتر از آن برایم روی داده بود. در تارنمای خبری بی بی سی به انگلیسی در بخش رویدادهای خاورمیانه هیچ کجا نامی از خلیج فارس را ندیدم ولی در جایی نام دروغین خلیج عربی را دیدم. همان روز ایمیلی به سالار خبری بی بی سی فرستادم و در مورد درستی نام خلیج فارس و در مورد بردن نام خلیج فارس در خبرها نوشتم. روز پس از آن ایمیلی از بی بی سی دریافت کردم که در آن گفته شده بود که همانگونه که شما می خواهید نام خلیج فارس برده شود، گروهی هم دوست دارند که نام خلیج عربی بکار رود.

حال می توان گمان برد که این چه گروهی هستند؟ و چگونه خبرهای بی بی سی و دیگر را در اختیار دارند. گویا این کج اندیشان و گمراهان خبرها و یا سالار رسانه های گروهی را می خردند و آنها را کنترل می کنند. کسانی چون صدام و یا معمر قذافی که همواره نام خلیج فارس را خلیج عربی گفته بودند، و هنوز هم می گویند، و امیران شیخ نشین خلیج فارس و چندی از دوستان دیگر عرب ها که همه از یک قماش هستند. این امیران و رهبران با پولهای هنگفت و درآمدهای نفتی زیادی که دارند در بسیاری از کشورهای غربی همچون کشورهای خودشان رسانه های گروهی را در اختیار دارند. آنها تلاش در از بین بردن نام همیشگی و ثبت شده در تاریخ و دیگر بازمانده های فرهنگی ایران اهورایی هستند. آنها تلاش دارند که نه تنها نام خلیج فارس را دگرگون کنند، بلکه در فکر گرفتن سه جزیره ایرانی در خلیج فارس نیز هستند.

نام خلیج فارس یک نام ثبت شده جهانی از سوی سازمان ملل بوده که بیش از ۲۵۰۰ سال پیش داریوش شاه بزرگ آن را نامگذاری کرد.

ایرانی از دیر باز با گذشته ی خود و از خودگذشتگی های نیاکانش آشنا بوده است. جا دارد که ایرانیان در برابر اینگونه یورش های فرهنگی خاموش نشینند. باید بدانیم که یکی از شوندهای جاودانگی ایران و ایرانی همان آزادی ایرانیان است و این خود یکی از پایه های برجسته و استوار بر جای ماندن ایران.

این چنین باد که آرزو داریم

• فرهنگی، دینی، خبری، اجتماعی، پژوهشی، ادبی

• پاییز ۳۷۴۶ دینی زرتشتی برابر با ۱۳۸۷ خورشیدی اسلامی برابر با ۲۰۰۸ ترسایبی
• شماره یازدهم، تیراژ ۵ هزار تا
• سردبیر: مهرداد ماندگاری
• زیر نگر:

• گروه انتشار مرکز زرتشتیان کالیفرنیا و مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
• زمان انتشار: هم اکنون هر سه ماه یکبار
• رایانه: رامین شهریاری
• تایپ و نما بندی از: حسن علیزاده
• چاپ: LA WEB PRESS
• پخش از: واهیک آبکاریان

• همکاران گروه انتشار:

• شهروز اش، موبد بهرام دبو، دکتر نیاز کسروی، موبد دکتر رستم وحیدی، دکتر زرتشت آزادی، مهرداد ماندگاری، مهرداد شهریاری، آرمیتا دلال

• دیگر همکاران که ما را در این شماره یاری داده اند: نسرين اردیبهشتی، پرفسور فرهنگ مهر، پریسا خسروی، دکتر خسرو خزایی، دکتر پرویز کوپایی، پرویز منوچهری، خداداد خدابخشی، فرید شولیزاده، مازیار قویدل و آریا فرهی

• ماهنامه زرتشتیان وابسته به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از همه ی نویسندگان نوشتار می پذیرد.
• نوشتارها باید خوانا نوشته شده باشد.

• گروه انتشارات در ویرایش و کوتاه کردن نوشته ها آزاد است و نوشتارهای رسیده بازگردانده نمی شوند.

• نگرها و پیشنهادهای نویسندگان در نوشته ها همیشه رای و نگر ماهنامه زرتشتیان و یا مرکز زرتشتیان نمی باشد.

• با یاری و سپاس از سامانه های:

CZC.org
Kniknam.com
Amordad.net
Shahnamehvairan.com
oshihan.org

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند که نوشتارها، فتورها (عکس ها) و پیشنهاد های خود را به نشانی info@czcJournal.org برای مرکز بفرستید. فتورهای برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد.

در تارنمای www.czcJournal.org می توانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

«مهرنیاپیش»

- مهر ایزد دارنده دشتهای فراخ را با بهترین نمازها می ستایم و به او درود می فرستیم که چراگاههای سبزگون و گسترده اش بر گاهواره زمین آرامبخش است و آسایش دهنده.

- ستایشم پیش گش آن ایزدی که نگاهبان راست ترین گفتار است، نیکویی هایش از شمار فزون است، با هزار چشم، بینی دورترین دورهاست، همیشه بیدار و بیخواب است، چون نگینی زرین پیرامون کشور را فرا گرفته، نگاهبان پیمانهاست و همواره همه جاست. در درون کشور، بیرون کشور و فراز و فرود آن.

- می ستایم که سخن را به راستی ره می نماید. نیرومند است، شهریار چابک است، جنگ آوران را نیرو می بخشد، ستون دشمنان را درهم می شکند و پیمان شکنان را بر می اندازد.

- اهورامزدا این آفریننده بزرگ و این سرور همه کشورها، برای ایزد مهر، زیباترین جایگاهها را ساخته است که ایزد مهر از آن جایگاه بر آدمیان می نگرند...

- ایزد مهر را می ستایم که بهترین بخششهای اهورایی، آزادی، بهروزی، رهایی در داوری، تندرستی، پیروزی، پاکی و پارسایی را ره آورد ما می سازد.

با سپاس فراوان
از دشمنان گرامی و
بویژه

خانم دکتر

آوا خسرویانی

که با مهر و گشاده دستی به
این رسانه پشوانه ی مالی
داده اند و انگیزه سرپا ماندن
آن را فراهم آورده اند.

پریسا خسروی :

بانوی نام آور ایرانی

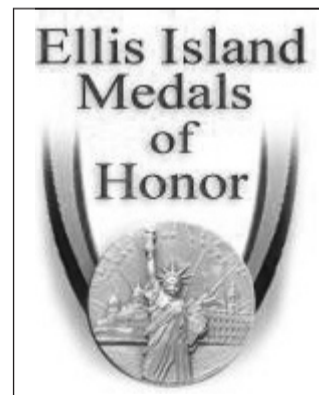
به کوشش - پروفیسور فرهنگ مهر و مهرداد ماندگاری



بسیاری از ما "پریسا خسروی" را میشناسیم. و او را در همایشهای زرتشتیان ارج نهاده ایم ولی همه ما به شایستگی ها و پیروزیهای او در زندگی و کارهای برجسته اش آگاهی نداریم بی گمان زندگی او میتواند نمونه ای برای همه زرتشتیان ایرانی مهاجر باشد. پس از مهاجرت به آمریکا، پریسا رشته روزنامه نگاری و خبر پراکنی از رسانه های گروهی را در "کالج کلمبیا" شیکاگو فرا گرفت و زبان فرانسه را در دانشگاه "سوربن" پاریس آموخت و با چیره دستی در سه زبان فارسی و انگلیسی و فرانسه در سال ۱۹۸۸ مسیحی کارش را در رسانه خبر پراکنی سی ان ان CNN آغاز کرد و با شایستگی خودش به رتبه معاونت ارشد سالار (رئیس) بخش گردآوری خبر در بخش جهانی در رسانه نایل آمد. دفتر کار او در ستاد رسانه CNN در آتلانتا است و در آنجا همه کوششهای جهانی گردآوری خبر را زیر نظر دارد و در این سمت ۶۰ خبرنگار و ۲۶ مرکز گردآوری خبر به او گزارش میدهند و او پس از رسیدگی، ارزیابی و بازنگری آنها را به شعب CNN در کشورهای گوناگون برای پخش میفرستد. دقت نظر، بیطرفی، قدرت تشخیص احترام همکاران وی را جلب کرده است.



در ارای بیست سال خدمت در CNN و پوشش خبری پریسا بیشتر رویدادهای مهم و جنجالی جهانی را رهبری کرده است و بارها با همکارانش مورد ستایش قرار گرفته و به دریافت جوایز بنامی در رشته کارش کامیاب شده است. در سال ۲۰۰۵ برای پوشش گزارش های توفان کاترینا به دریافت جایزه Peabody و در همانسال برای گزارشهای وابسته به فاجعه سونامی در آسیای جنوبی به دریافت جایزه «دوپانت» نایل گردید. در سال ۱۹۹۲ برای پوشش اخبار کودتای ناموفق ۱۹۹۱ در اتحادیه جماهیر شوروی باز به دریافت جایزه ویژه موفق شد. در سال ۱۹۹۳ برای گزارش جامع و دقیق جنگ خلیج فارس به دریافت جایزه ویژه ای دیگر و باز در همانسال برای پوشش کامل اخبار سومالی به دریافت جوایز Emmy و Sigma Delta نایل آمد. در سال ۱۹۹۵ برای تهیه و انتشار اخبار مربوط به شورش مسکو جوایزی ویژه به او داده شد. در سال ۲۰۰۱ برای مجموعه اخبار مربوط به Sierra Leone به دریافت جایزه بسیار نام آوری کامیاب شد. در سال ۲۰۰۳ برای گزارش جنگ عراق به دریافت جایزه خبرنگاران ممتاز کامیاب شد. در سال ۲۰۰۲ برای انتشار دقیق رویدادهای بعد از حوادث دلخراش ۱۱-۹ سپتامبر دوباره به دریافت جایزه ویژه ای دست یافت.



آخرین پیروزی او در ۱۰ می امسال (۲۰۰۸) بوده است که با چهار نفر ایرانی ممتاز دیگر که سه نفر آنها بانو هستند به دریافت مدال ویژه ای نایل آمده اند. (Ellis Island Medal of Honor) جزیره ایس در نیویورک در جنوب باختری جزیره منهتن در نیویورک است. این جزیره زمانی قلعه دفاعی بود. بین سالهای ۱۸۹۲ و ۱۹۴۳ مرکز اصلی مهاجرتی که به آمریکا می آمدند و اگر مدارک ورود آنها کافی نبود در آنجا بازداشت میشدند تا تکلیفشان روشن شود، بعدها به مهاجرتی که به علت موفقیتهای فردی بعنوان شهروندان برجسته آمریکا شناخته میشدند و میشوند و کوششهای آنها بعنوان امریکائی در ایجاد یگانگی بین فرهنگها، مذاهب و نژادها شایسته و برجسته است جایزه ای داده میشود بنام همین جزیره (Ellis Island) و در این آیین که در تالار بزرگ و با شکوهی بصورت رسمی با لباس رسمی برگزار میشود و روسای نیروهای سه گانه هوایی، دریایی، زمینی در آن شرکت دارند به برندگان جوایزی ویژه اعطاء میشود. در مراسم امسال بطور بی سابقه ای ۵ نفر بانوی ایرانی

- ۱- بانو پریسا خسروی معاون ارشد مرکز گردآوری اخبار جهانی در CNN
- ۲- انو گلی عامری معاون فرهنگی وزارت خارجه آمریکا
- ۳- بانو نوشین هاشمی موسس بنیاد H.A.N.D
- ۴- بانو لیلی خواجوی مدیر عامل Morgan Stanley
- ۵- بانو آوید مجتبائی معاون اجرائی و رئیس مسئول اطلاعات در Wells Fargo Bank و سرانجام
- ۶- آقای داریوش خالدی رئیس و مدیر عامل K.v. Mart. به دریافت جایزه Ellis Island Medal of Honor کامیاب شدند.

مهاجرتی موفق به دریافت این نشان میشوند که شهروندان امریکائی برجسته ای شده باشند. آنها با نگهداری ویژگیهای ممتاز شهروندی سابق و افتخارات تاریخی و گذشته خود با پشتکار و اراده توانسته اند در امریکا با رهبریهای شغلی و کاری خدمات ارزنده ای به مردم و کشور امریکا انجام دهند و همدوش همشهریهایی امریکائی برای اعتلای این کشور کوشش کنند و همینگونه به رویاهای خود برسند دریافت کنندگان این مدال سناتورها، شخصیت های فرهنگی، تلویزیونی، هنری، صنعت و بازرگانی، مذهبی و دارندگان جایزه نوبل بوده اند. این مدال افتخار از سوی سازمان Neco که چتری برای ۳۵۰ سازمان نژادی مختلف تشکیل میشود و معرف ۵ میلیون خانواده است و از سوی کنگره امریکا تایید و پذیرفته شده است میگردد. آرمان آنها نگهداری تفاوتهای نژادی و مذهبی مختلف و افزایش تفاهم و دوستی بین آنها و مبارزه با بی عدالتی و تعصب است.

بد نیست به بنیم آقای داریوش خالدی به چه علت برای دریافت این جایزه برگزیده شد. ایشان پس از انقلاب اسلامی ایران با خانواده به امریکا آمد. در سال ۱۹۶۸ در دانشکده پلی تکنیک ایران درجه فوق لیسانس در مهندسی راه و ساختمان گرفته بود.

در امریکا در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در سال ۱۹۸۱ در مدیریت فارغ التحصیل شد و در جولای ۱۹۹۵ از دانشگاه کرنل در مدیریت غذایی فارغ التحصیل شد. وقتی به امریکا آمد نه زبان انگلیسی بلد بود و نه هرگز کاسبی کرده بود. در اینجا به اتفاق برادر خانمش پرویز وزین در شهر تورنس نخستین فروشگاه مواد خوراکی را برای فروش ایجاد کردند و با اراده و تصمیم پشتکار و فعالیت شبانه روز همه مشکلات را پشت سر گذاشتند و امروز یک گروه شامل ۲۳ فروشگاه خوراکی را اداره میکنند میزان فروش سالانه آنها افزون بر ۲۷۵ میلیون دلار است و بیش از ۱۵۰۰ نفر برای آنها کار میکنند. در ماه ژوئن ۱۹۹۶ داریوش خالدی به دریافت جایزه ویژه ی سال در "عمده و خرده فروشی در لوس آنجلس بزرگ" را به خود اختصاص دادند. او به علت علاقه به شرابسازی چند بار به در فرانسه سفر کرد و فن شرابسازی را آموخت در سال ۱۹۹۸ کارخانه "شرابسازی" در Napa Valley در کالیفرنیا را بنیاد کرد و در این زمان توانسته است شرابهایی تهیه کند که جزو یکصد نوع بهترین شراب جهان شناخته شده است. ما به همه دریافت کنندگان مدال افتخار Ellis Island شادباش میگوییم و به عنوان شهروند امریکائی ایرانی تبار آنها را ارج میگذاریم.

کتابهایی که در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا به فروش میرسد

- دیدی نو از دینی کهن از استاد دکتر فرهنگ مهر
- آموزش زرتشت، پیامبر ایران از تهمورس ستنا
- در جستجوی راستیها از فرنگیس کیخسرو شاهرخ
- یاران هستی از برهان ابن یوسف
- ضرب المثلها و ادبیات برگزیده فارسی از اختر شجاع زادگان
- پیام زرتشت از دکتر علی جعفری
- گات ها، سروده های زرتشت از دکتر خسرو خزایی (پردیس)
- شاخ سخن از مهین بانو تر کمان اسدی
- فرورانه از دکتر علی جعفری
- بیست و یک نوشتار پژوهشی از اردشیر جهانیان
- سوادآموزی و دبیری در دین زرتشت از جمشید سروشیان
- برما چه گذشت از جمشید پیشدادی
- واژه های پارسی برای پارسی زبانان از دکتر زرتشت آزادی

سی دی هایی که به فروش میرسد

- موسیقی و کلام زرتشت از سیروس جهانی
- تاریخ گویای دوران باستان، شاهنامه و تاریخ به کوشش مهندس امینی سام
- آمداد - سرود جشنهای ایرانیان از خداداد کاویانی
- پَر سور از گروه گات ها - کانادا
- نماز - نیایش سرزمین اهورایی

تلفن و یا نشانی الکترونیکی برای سفارش

714-893-4737

Info@CZC.org

مهرگان

نوشته ی: مازبار قوبدل

از تارنمای شاهنامه و ایران

یادآور می‌شود و می‌نویسد:

فریدون چو شد بر جهان کامکار
ندانست جز خویشان شهریار
به رسم کیان تاج و تخت و مهی
بیاراست با کاخ شاهنشهی
به روز خجسته سر مهرماه
به سر بر نهاد آن گیانی کلاه
بفرمود تا آتش افروختند
همه عنبر و زعفران سوختند
کنون یادگار است از او ماه مهر
بکوش و به رنج ایچ منمای چهر

۲ - مهرگان به انگیزه بزرگداشت مهر، ایزد پیمان وعهد:

میتراپیان یا پاسداران مهر، مهرگان را به ایزد مهر که او را از ایزدان آریایی می‌شناخته‌اند نسبت می‌دهند. ایرانیان و هندیان کهن، مهر را ایزد پیمان یا عهد و دشمن دروغ و دروغگویی و پیمان شکنی بر می‌شمرده‌اند و می‌پنداشته‌اند که اگر کسی پیمان شکنی کند ایزد مهر او را پادافره یا کیفر خواهد داد.

۳ - همزمانی روز مهر و ماه مهر:

مهرگان همچنین یکی از دوازده جشن ماهانه ایرانی که با برابر شدن نام روز با نام ماه بر گزار می‌شوند نیز می‌باشد که در هنگام گردآوری و به انبار سپاری فرآورده‌های تابستانی که خود انگیزه‌ای طبیعی می‌تواند به شمار آید به جشن نشسته می‌شود. ناگفته نماند که این جشن به جز از گاهنبار سوم که در سی‌ام شهریورماه و گاهنبار چهارم که در سی‌ام مهرماه بر گزار می‌شوند و چگونگی برگزاری ویژه خود را دارند می‌باشد.

۴ - آغاز زمستان بزرگ:

در گذشته آریاییان سال را به یک تابستان هفت ماهه و یک زمستان پنج ماهه بخش می‌کردند که مهرگان به پیشباز زمستان بزرگ رفتن می‌توانسته باشد.

تابستان بزرگ هفت ماه بودند، فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، امرداد، شهریور و مهرماه، و زمستان بزرگ پنج ماه بودند، آبان، آذر، دی، بهمن و اسفند. و همچنانکه در شهریورگان آمد، بهار و پاییزی را نمی‌شناختند مگر تابستان و زمستان را.

شایان‌نگرش است که در گذشته در سوند نیز سال به‌دو بخش تقسیم می‌شده است

۵ - جشن کشاورزی و هنگام برداشت و به انبار سپاری برداشتهای تابستانی.

گردیزی در این پیوند می‌نویسد:

"و مهر روز برگزاری جشن خرمن است."

در روز جشن که همان مهر روز از مهرماه باشد، همه‌ی هموندان یا اعضا خانواده، رخت نو بر تن، دورخوان یا سفره مهرگانی گرد می‌آیند و هنگامیکه خورشید به میان آسمان رسید، در برابر آیین به یکدیگر شادباش می‌گویند، همدیگر را در آغوش می‌کشند، نقل و شیرینی نثار همدیگر می‌کنند، بر سر و روی همدیگر بوسه می‌زنند و مهربانیهای کردگاری را سپاس می‌گویند. در این هنگام شماری نیز، سرمه بر چشم می‌کشند و بهر روی همگی به شادی و شادمانی پرداخته، همانند نوروز به انجام دید و باز می‌پردازند.

نامگذاری کودکان زاده‌ی ماه مهر، با پیشوند و یا پسوندی از واژه‌ی مهر:

از رسمهای درخور یادآوری مهرگان، نامگذاری کودکانی است که در مهرگان دیده باز می‌کنند و زاده می‌شوند. بدینگونه که برای کودکان زاده شده در مهرگان نامی بر می‌گزیند که واژه مهر در آن باشد. نامهایی مانند: مهر، مهرباب، مهرداد، مهرزاد، مهرشاه، مهرداد رنگ، مهرگان، مهرنوش، مهرشهر، مهراوندخت، مهرانگیز، مهربانو، مهرازان، مهرازان، مهربان، مهرو یا ماهرو، مهرآیین، مهرآور، مهرپرور، مهريار، نوش‌مهر، کوش‌مهر و همانند آنها. بنا بر پژوهش تورج پارسی، و بر پایه‌ی گزارش هردودت این گونه نام گذاری از دوره هخامنشیان رسم بوده است.

با آرزوی مهرگانی پر از شادی، خرسندی، پیروزی و سربلندی برای همگان

سرچشمه‌ها: ۱. شاهنامه فردوسی. ۲. گاهشماری و جشنهای ایرانی کار ارزشمند هاشم رضی. ۳. تاریخ بیهقی. ۴. تاریخ اجتماعی ایران، کار مرتضی راوندی. ۵. زندگی ایرانیان در خلال روزگاران. ۶. دیدی نواز آیینی کهن از دکتر فرهنگ مهر. ۷. گفتارها و نوشتارهای استاد علی‌اکبر جعفری. ۸. کلیات تاریخ و تمدن ایران پیش از اسلام از دکتر عزیزالدین بیات. ۹. تاریخ و تاریخ‌گذاری از مهندس علی محمد کاوه. ۱۰. فرهنگ دهخدا. ۱۱. مری بویس، تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی، رویه ۵۳، فروردین ۷۴، انتشارات توس ۱۳۱۲، ۱۰۶، ۱۲، ۱۳. Meri Boyce, Mithraic Studies Vol 1; p ۱۰۶، ۱۲، ۱۳. بیرونی، التفهیم، به تصحیح همایی، رویه ۲۵۵-۲۵۴، موسسه نشر هما ۱۴. ۱۳۶۷ بیرونی، آثار باقیه، برگردان اکبر دانا سرشت رویه ۲۹۰، سال ۱۳۵۲ انتشارات ابن سینا. ۱۵. گردیزی، تاریخ، به تصحیح عبدالحی حبیبی، رویه ۳۹، چاپ اول ۱۳۶۳، دنیای کتاب ۱۶. مری بویس، تاریخ کیش زرتشت جلد دوم هخامنشیان، رویه ۴۲، نوروز ۱۳۷۵، توس ۱۷. نوشتارهای دکتر تورج پارسی " B agayadi "

فریدون و کاوه

یلانِ دلیر

به یاری مردم

خروشان چو شیر

کشیدند از تخت ظلمش به زیر

به البرز

ضحاک در بند شد

سراسر جهان

شاد و خرسند شد

چنین روز

ماند از یلان یادگار

ز خاطر

تو این روز پنهان مدار



جشن مهر یا مهرگان همانند و همپایه نوروز و یکی از کهن‌ترین و بزرگترین جشنهای ملی مردمان پشته یا فلات ایران است. این جشن در روز مهر از ماه مهر که در سال شمار کهن ایرانی روز شانزدهم مهرماه بود و در سال شمار نوین در روز دهم مهرماه می‌باشد و شش روز، برگزار می‌شود.

از میان انگیزه‌های چندی که برای برگزاری این جشن بر شمرده‌اند، پیروز شدن مردم ایران به سرکردگی فریدون کیانی و با خروش کاوه آهنگر بر ضحاک ماردوش می‌باشد که در سروده‌ها و نوشته‌های بسیاری از بزرگان فرهنگ و ادب پشته‌ی ایران خودنمایی می‌کند. همچنان که آمد این جشن از بزرگی و شکوهی همانند جشن نوروزی برخوردار است و خوانی اگر نگوئیم از آن زیباتر که به آن شکوه و زیبایی دارد.

خوان یا سفره مهرگانی از دیدنی و زیباترین خوانها است که از داده‌هایی همچون گل و گیاهان خوشبو، شاخه‌های درختان، دانه‌های

گیاهی، خشکبار، آیین یا آبگینه، شمع (فروزه) و شمعدان، مجمر آتش، آش و نان ویژه مهرگانی، میوه‌های گوناگون و رنگارنگ (بنا بر توانایی خداوند خوان) - و ... فراهم می‌آورد می‌شود.

بر خوان یا سفره‌ی مهرگانی این چیزها را می‌توان دید:

آیین و سرمه‌دان، شمع (فروزه) و شمعدان و لاله‌ی روشن، مجمر آتش، جامی از آب که می‌تواند با نارنجی شناور در آن آراسته و زیباتر شود، گل و گلدان، گیاه خوشبوی آویشن، سکه سیمین (نقره‌ای)، شربت و گلاب و شیرینی، سبزی و میوه، به ویژه انار، سیب، عناب و انگورسپید، و ترنج (نگارنده خود در هنگام گسترده خوان مهرگانی چون ترنج و بالنگ و همچنین به نیافتن، مربای ترنج و مربای به را بر خوان نهادم)، سنج و بادام و پسته و یا به زبانی دیگر، خشکبار، اسپند و کندر بر آتش نهاد.

بر خوان مهرگانی هفت شاخه و برگ از بید، کاج، مورد، سرو، زیتون، به و انار و همچنین آشی بدون گوشت که از هفت و یا دوازده دانه گیاهی تدارک دیده می‌شود و "درون" نام دارد می‌گزارند سیرک نیز نانی است خوان نشین که از آرد هفت دانه فراهم می‌آید و در روغن سرخ می‌شود.

انگیزه‌های برگزاری:

برای این جشن که برای سپاس‌گذاری از داده‌های پروردگاری برگزار می‌شود، انگیزه‌هایی چند را بر می‌شمارند:

۱ - مهرگان روز پیروزی فریدون بر ضحاک است.

این انگیزه که پیروزی فریدون بر ضحاک ماردوش باشد را، به ویژه استاد سخن، فردوسی نامدار، کسی که اگر دامن همت برای نوشتن شاهنامه به کمر نزده بود ما اکنون به زبان پارسی سخن نمی‌گفتیم

چگونه زرتشتی شویم؟



دکتر زرتشت آزادی

در این سالهای پسین بسیاری از ایرانیان که خواسته اند به دین نیاکانی خود باز گردند این پرسش را از بسیاری کسان کرده اند و اگر پاسخی شنیده اند نا روشن بوده است. آتشکده یا سازمان دینی ایران در آفند تا زیان، در نیمه ی سده ی هفتم مسیحی، مانند دیگر سازمانهای ایرانی ویران گردید و از آن پس زیر فشار تازیان و تازی دوستان نیمه جان و کم توان ماند و مانند کشور ایران شد که پس از آفند تازیان هرگز به شکوه گذشته نرسید.

فشار بر آتشکده سده ها دنبال شد و آتشکده توان این را نیافت که کار خود را بگسترده و هموندان تازه بپذیرد. از اینرو تنها به انجام کارهای دینی برای خانوادههایی که زرتشتی بودند پرداخت. این کوتاهی هنوز هم در کار است و آتشکده ها یا در مهرها یا سازمانهای زرتشتی کمتر کسان تازه به هموندی (عضویت) میپذیرند. از سوی دیگر با شکستن مرزهای دانشی و گسترش آگاهی در میان کشورها بسیاری از ایرانیان دانششان در باره ی گذشته ی تاریخی خود افزون شده و هوای پیوستن به دین میهنی و نیاکانی خود را دارند.

من این را مینویسم تاراهی به جایی نشان دهم. باشد که این آغازی گردد به اینکه سازمانهای ایرانی زرتشتی به میان آیند و در این باره سیاستی بگذارند و آگاهی کنند. من موبد یا موبد یار نیستم و از کس یا سازمانی نمایندگی ندارم. هر چه میگویم از خویشتن میگویم ولی بر این استوانم (مطمئنم) که پرت نمیگویم. پیش از اینکه کسی با زرتشت اسپستمان پیام آور بزرگ ایران زمین همکیش شود باید پژوهشگری کند و دانش بسنده در باره ی پایه ها و باورهای دین زرتشتی بدست آورد. راه درست این کار خواندن چند کتاب از نویسندگان آگاه است (۱). بجای خواندن کتاب میتوان سی دی یا دی وی دید و شنید یا کتابها را در تارنمای اینترنتی خواند. نوشته ها یا سخن ها باید از کسانی باشد که آگاهی بسنده دارند و آنچه گفته یا نوشته اند با پشتوانه (معتبر) است.

پس از آن پژوهشگر میتواند با یکی از موبدان زرتشتی یا یکی از زرتشتیانی که چند سال در این دین بوده و دستورهایش را بکار بسته دیدار کند، اگر پرسشی دارد پرسد و نیز نگر آنها را در باره ی نابسانی های دین زرتشتی با دیگر دینها و با نا خدایی (۲) جو یا شود. پس از اینها خوبست چند روزی با خود به سگالش (۳) پردازد که آیا به فرزان (فلسفه) و باورها و روشهای دین زرتشتی باورمند است و آیا میتواند و میخواهد زندگی خود را بر پایه هایی که اشو زرتشت نشان داده بگذارد و بچرخاند؟ اگر پاسخ به این پرسش "نه" است پژوهش پایان یافته و پژوهشگر به دنبال کار خود میرود. اگر پاسخ "آری" است پژوهشگر میتواند برای دگرگونی آماده شود و روز ویژه ای را برای نودینی بگذارد مانند نخستین روز ماه یا هفته یا سال، مهرگان، نوروز، سده....

پیش از رسیدن روز نو دینی خوبست پژوهشگر پیمان نامه ای بنویسد و در آن بیاورد که چرا به دین زرتشتی در میآید و بنام یک زرتشتی چه چیزها را باور دارد و چه چیزها بی را بکار خواهد بست. در روز نودینی پژوهشگر این پیمان را دستینه (امضا) خواهد گذاشت و نگاه خواهد داشت و از آن پس خود را زرتشتی خواهد دانست و مانند همکیش اشو زرتشت رفتار خواهد کرد. پژوهشگریا نودین میتواند کار دستینه گذاری را در جشن واره ای از دوستان و خویشان بر گذار کند و در میان آنان پیمان نامه را بخواند. برخی از باورها و پایه های دینی زرتشتی اینها است:

۱ - باور به اینکه جهان آفریدگاری دارد. این آفریدگار در زبان اوستایی اهورامزدا نامیده شده که معنیش "هستی بخش دانا" است. او در زبان پارسی خدایند جهان یا آفریدگار جهان یا نامهای دیگری دارد. نام هر چه باشد دارنده ی نام یکی است.

۲ - باور به اینکه اشو زرتشت بر انگیزه ای اهورا مزدا است. یعنی اهورا مزدا این توانایی را در او پدید آورده که خواست او را در یابد و به گوش جهانیان برساند.

۳ - آگاهی از اینکه پیامهای اشو زرتشت در کتابی بنام گاتاهای گاتاها است. این کتاب به زبان اوستایی است که زبان ادبی ایران در زمان اشو زرتشت بوده است. در سده ی کنونی گاتاهای به زبان پارسی و چند زبان دیگر ترجمان شده است. گاتاهای همه چاهه (شعر) در زبان اوستایی است و سوی سخن (مخاطب) اشو زرتشت بیشتر اهورامزدا است تا مردم ولی از آنها میتوان دریافت که خداوند چه میخواهد. گاتاهای همراه با پنج کتاب دیگر بر رویهم اوستا نام دارند. کتاب بنیادین دین زرتشتی گاتاهای است. دیگر کتابهای اوستا نوشته هایی از گذشتگانند. برخی از آنها بسیار کهن و از روزگار پیش از اشو زرتشت مانده اند.

۴ - خرد گرایی - باور به اینکه خرد آدمیان ترازو و سنجی هر اندیشه در این جهان است. هر چیز که با خرد سازگار نباشد نباید پذیرفت.

۵ - قانون اشا - باور به اینکه رویدادها، چه در جهان پرهامی (طبیعی) و چه در جهان آدمی، بر بنیاد قانونی بنام اشا میگرددند. اشا قانون انگیزه و انگیزه (علت و معلول) است. هر انگیزه ای انگیزه ای است که دارد و هر انگیزه ای انگیزه ای. رویدادها در هم برهم یا از پیش خود نیستند. آدمیان باید خود را با قانون اشا همسو و هماهنگ کنند. اشا بمعنی پاکی نیز هست و اشو یعنی کسی که پاک است. برای همین است که زرتشت را اشو زرتشت میگویم.

۶ - باور به اینکه اهورامزدا این جهان را برای همه ی جهانیان آفریده نه بتک (۴) برای آدمیان یا گروهی ویژه ای از آدمیان. از اینرو آدمیان باید در نگاهداری زیست بوم (محیط زیست) بکوشند و تا میتوانند آنرا نیالایند...

۷ - باور به اینکه هر کس رنجی میرسد باید بر آمد (نتیجه) آنرا بدست آورد.

۸ - باور به اینکه آدمیان باید در آباد کردن جهان و بهسازی زندگی برای دیگران بکوشند. برای همین است که دین زرتشتی را دین بهی میگویم.



آتشکده یزد

۹ - باور به اینکه نیکی در اندیشه، گفتار و کردار باید دستور کار همه ی آدمیان باشد. ۱۰ - باور به اینکه پرهیز از دروغ در اندیشه و گفتار و کردار باید دستور کار همه ی آدمیان باشد. ۱۱ - باور به اینکه توانمندان همیشه باید به یاری کم توانان برخیزند و تا آنجا که بشود یاریها باید به گونه ای باشد که کم توانان را توانمند کند نه اینکه آنان را در کم توانی نگاه بدارد.

۱۲ - باور به اینکه در سر آدمیان همواره دو اندیشه ی ناساز (متضاد) پیدا میشود که یکی سپنتایی یا مینوی و دیگری اهریمنی است. آنکه سپنتایی است سازنده، آباد گروشادی آوراست و آنکه اهریمنی است ناسازنده، ویرانگر، واندوه آور است. بر آدمیانست که همواره اندیشه های سپنتایی را بپرورند و به کردار بیاورند و با اهریمن یا اندیشه های اهریمنی بسبزند. اهریمن آفریده ی ویژه ای نیست بلکه نام اندیشه ی بد یا نبود اندیشه ی خوبست. نبرد در میان اهورا مزدا و اهریمن نیست بلکه در میان اندیشه های نیک و اندیشه های بد یا در میان هواداران اندیشه های نیک و هواداران اندیشه های بد در پهنه ی گیتی است. اگر پژوهشگر به باورها و پایه های دین زرتشتی که من فشرده ای از آنها را آوردم باورمند باشد و بتواند و بخواهد آنها را بکار بندد در روز نودینی پیمان خود را دستینه مینهد و از آن پس خود را زرتشتی میخواند و همه ی باورها و آیین ها را بکار می بندد. هر گاه پیش آید خوبست در گرد همایی های زرتشتیان نیز پیدا شود و با آنها بیامیزد.

زرتشتیان باید نمازهایی بخوانند. نمازها همه به زبان اوستایی یا زبان پازند است که آموختنش آسان نیست. من پیشنهاد میکنم کنکناش موبدان ایرانی در آمریکای شمالی گروهچه ای (کمیته) از فرزندان دکتر فرهنگ مهر، دکتر علی جعفری، موبد بهرام شهزادی و موبد دکتر ستم وحیدی که همه در جنوب کالیفرنیا زندگی میکنند تا چند تا از نمازها را به زبان پارسی در آورند تا از آن پس زرتشتیان بتوانند نمازهای خود را به زبان پارسی، که شاخه ی زنده ی زبان اوستایی است، بخوانند. فرزندان چون دکتر کوروش امیر جاهد، دکتر پرویز کوپایی، جمشید پیشدادی و دیگران میتوانند نمازهای پارسی شده را به چاهه در آورند تا مردم نمازهای خود را با آواز و هر گاه بشود با موزیک بخوانند.

تا زمانی که نمازها به پارسی ترجمه نشده نو زرتشتیان میتوانند در شبانه روز دو بار رو به روشنایی مانند آفتاب یا آتش ویا اگر بیرون از ایران باشند رو به سرزمین ایران بایستند و به زبان پاک پارسی با اهورامزدا راز و نیاز کنند و نیز چاهه هایی از شاهنامه که در باره خرد یا بزرگی خداوند است بخوانند. هر نودین خوبست پس از یکسال به یکی از آتشکده ها یا سازمانهای زرتشتی برود و در خواست کند که او را کشتی ببندند و به هموندی بپذیرند. اگر پذیرفتند خوبست و اگر نپذیرفتند بد نیست به هر روی او همکیش اشو زرتشت است زیرا گفته ها و باورهایش را بکار می بندد.

اینهایی را که من نوشتم برای آنگاه است که آتشکده ها یا سازمانهای زرتشتی همچون گذشته ها کسی را نپذیرند. اگر بپذیرند باز هم اینهایی که من گفته ام میتواند راهنما باشد. امیدوارم این نوشته به افزایش دانش همگان یاری دهد.

پاینویس

۱ - سه تا کتاب خوب در این باره اینها یند:

- دیدی نو از دینی کهن، چاپ سوم، نوشته ی دکتر فرهنگ مهر

- پیام زرتشت، نوشته ی دکتر علی جعفری

- گاتاهای، ترجمه ی موبد فیروز آزر گشسب

این سه کتابرا میتوان از مرکز زرتشتیان کالیفرنیا خرید ۷۱۴۸۹۳۴۷۳۷

۲ - "ناخدا" کسی است که باور ندارد جهان آفریدگاری داشته است و همانست که انگلیسی زبانان Athiest میگویند. ناخدا با ناوخدا که در ارتش شاهنشاهی تیمسار نیروی دریایی میباشد یکی نیست.

۳ - سگالش اندیشیدن یا تفکر کردن است. سعدی گفته است

تو نیکو روش باش تا بد سگال به عیب تو گفتن نیابد مجال

۴ - بتک همانست که عربان فقط میگویند. سعدی گفته است:

به ره بر یکی پیشم آمد جوان بتک در پیش گوسپندی دوان

جشن مهرگان بر همگان فرخنده باد

زرتشت و بازسازی شناسه ی (هویت) ایرانیان

آیین زرتشت برای ایرانیان تنها یک آیین نیست، بلکه یک شناسه نیز هست

برگرفته از ماه نامه ی جون ۲۰۰۷ مرکز اروپایی برای پژوهش در آیین زرتشتی
چکیده سخنرانی دکتر خسرو خزاعی (پردیس)

هموندان و دوستان ارجمند

امروز در باره شناسه ی ایرانیان سخن می گویم. خواست من شناسه ی فرهنگی است. و آن نگاره ای (تصویری) که ما از خود به جهان بیرون از خود می دهیم. با سخنی دیگر، شناسه ی ما دیدگاهی است که دیگران از ما دارند و با سنجه (معیار) آن ما را ارشایی و داوری می کنند. این دیدگاه همواره فرهنگی است. اگر کسی از یک فرهنگ که بالاتر و برتر شناخته شده بیاید، هر اندازه هم آن کس بی مایه و تهی باشد، باز در گام نخست در دید دیگران بالاتر و برتر بشمار می آید. بر وارونه ی آن هم درست است. در سده های میانه (قرون وسطی) اروپاییان در زیر ستم و کورگرایی کلیسای مسیحی خود را بی فرهنگ می دیدند. دانشمندان خود را، مانند گالیله ها می کشتند یا فراری می دادند، لاوزیه ها را می سوزاندند و خردمندان خود را به آوره گی گریز از میهن می کشاندند.



کسانی که دستورهای کلیسا را بکار نمی بستند هزاران هزار می کشتند، یا سنگسار می کردند یا در خانه های بی در و پنجره زندانی می کردند تا بمیرند. کم شمردن مردمان و اندیشه های آنها به اندازه ای رسید که کم

جنبش «رنسانس» یا «نوزادی» را در سده های ۱۳ و ۱۴ میلادی در اروپا پی ریزی کرد. به راستی «رنسانس» برای اروپاییان در راستای بازسازی شناسه آغاز شد. با این آرمان، آنها به دل تاریخ رفتند تا شناسه ی خود را در فرهنگ یونان و رُم جستجو کنند. فرهنگ یونان و رُم شناسه نبود، بیش از ۱۵۰۰ سال از افتادن آنها گذشته بود. ولی با اینکه ابزارهای امروزی مانند کامپیوتر و اینترنت و ابزارهای پیوند همگانی در دست نداشتند، توانستند سرانجام فرهنگی را از هیچ به هست بیاورند و کم کم شناسه ی نوینی را برای خود بسازند و به دورانی که «دوران روشنایی» نام گذاری شده برسند. نداشتن ابزار نوین پیوندهای همگانی انگیزه ای شد که آنها بهارسد سال زمان برای بازسازی شناسه ای بگذارند. این «نوزادی» یا «رنسانس فرهنگی» بدبختانه در میان ایرانیان، با داشتن یکی از درخشان ترین فرهنگهای باستانی، نتوانست در سده های گذشته جوانه بزند. بسیاری از ستارگان درخشان مانند فردوسی، حافظ، خیام، پورسینا، رازی و ... که بازماندگان همان فرهنگ باستان بودند، آمدند و درخشیدند ولی نتوانستند تکانی به جامعه ایستا و در مانده و جدا شده از خویشتن خود بدهند. بنابراین آنها در کنار ماندند. چرا؟ چون آنها «ریشه» نبودند، آنها شاخ و برگ از یک ریشه تنومند یعنی فرهنگ زرتشت بودند. ریشه ای که در زیر خروارها خاکستر تاریخ پنهان شده بود ولی هنوز آتش آن سوسو می زد. مردم شاخ و برگ را می دیدند ولی از ریشه آن نا آگاه بودند چون چشمها نابینا شده بود. برای نمونه نمی توانستند دریابند چرا فردوسی و حافظ و خیام و پورسینا و ... از مردم کشورهایمانند عربستان یعنی زادگاه اسلام و دیگر کشورهای مسلمان شاخه نزدند. چون این نکته را نمی توانستند یا نخواستند دریابند بقول حافظ «ره افسانه زدند» و راه دروغ و مردم فریبی را پیش گرفتند.

آدم ایرانی در این بوم نافرنگی تکه تکه شد. هر تکه ای از او در نبرد با تکه ی دیگری شد. یک تکه او به عربستان کشیده می شد تا عربها را الگوی خود کند، تکه دیگری به غرب می رفت تا خود را مانده ای از فرهنگ غرب در آورد و تکه سوم به فرهنگ گذشته خودش که تنها نگاره ی گرد گرفته و مه آلودی از آن داشت چشم دوخته بود. در این کشمکش و جنگ با خود، از خود و خویشتن خود بی خبر شد و یادش رفت کی بود و کی هست.

اکنون رویدادهای روزگار، ما ایرانیان را از خوی سنگین سده ها بیدار کرده و یا در حال بیدار کردن است و این نسل ماست که امروز در حال ساختن شالوده های این رستاخیز فرهنگی و این «نوزادی» است و آن نسل فردا خواهد بود که آن را به پیروزی خواهد رساند. در این هیچ شک نیست. ما ریشه فرهنگی و شناسه ای خود را شناسایی کرده ایم و آن اندیشه ی بزرگ آموزگار زرتشت است که همانگونه که گوگوش در آوازش می خواند «این کشور را با سروده هایش ساخت» ولی ایران برای زرتشت و اندیشه او کوچک است. در فردای پیروزی، ایرانیان خواهند دید که زرتشت نخست آغوش خود را برای جهان خردگرا و پیشرو باز خواهد نمود و سپس تمام جهانیان را در آغوش خواهد گرفت.

نگاهی به یک کتاب

پرویز کوپایی

دوستان گرامی: نگاه شما را به این کتاب آموزنده در باره دین زرتشتی و فرهنگ ایران باستان میکشانم: این کتاب با اندیشه ی توانای دانشمند فرهیخته میهنمان دکتر فرهنگ مهر نوشته شده است. این کتاب دیدی نو از دینی کهن نام دارد که چاپ دوم خود را پشت سر میگذارد و برخی از واژه های اوستایی را بهتر و بیشتر بررسی کرده اند. گفته میشود دین راه درست زیستن است و با نیک اندیش آغاز میشود و به گفتار و کردار نیکو میانجامد و بر پایه ی گفته های اشوزرتشت اسپنتمان گاتها استوار است. گاتها اندیشه های مینوی و زبان اهرائیس گاتها را چشم دل و خردمندی میتوان شنید و دریافت. آنچه در گاتها میآید اندیشه زا هستندویه جویندگان نیکی و سازندگی شادی و رسائی میرساند. گاتها رفتاری را میآموزاند که برای جان و تن راستی و بینش مهر را بارمغان میآورد و از خرد و منش نیک سخن میگوید و از خودشناسی و رسایی و جاودانگی فروزه های خدایی اندرز میدهد. گاتها از آزادی در گزینش و تازه بتازه شدن جهان که برای نیکو زیستن و شاد بودن است آگاهی میدهد. در این کتاب از باورهای بنیادین دین زرتشت و روشنگری گاتها سخن رفته است و به نیازهای روان آدمی پاسخ میدهد. این کتاب را به پویندگان فرهنگ ناب ایرانی و خواستاران آیین زرتشتی شناسه میکنم. شما میتوانید آنرا از شرکت چاپ مزدا سفارش دهید. (در ۲۵۴ رویه چاپ شده است).



نمایندگی بیمه کسروی

Lic. # 0781336

- خودرو
- تندرستی
- خانه
- عمر
- بازرگانی
- کارگری
- بیمه گروهی
- بازنشستگی

714-542-3014

562-434-6697

888-235-3927

Jkasravi@farmersagent.com

رستوران
حاتم

در مکانی گرم و خانوادگی
با کیفیت عالی

با خوراک های خوشمزه ایرانی

سفارشات غذا برای میهمانی ها و مجالس شما
با بهترین قیمت

HATAM RESTAURANT

1112 N. BROOKHURST #6

ANAHEIM, CA 92801

(714) 991-6262

نگاهی به کشمکش زبانهای پارسی و پشتون در افغانستان

پیشینه

از آغاز پربایی کشور افغانستان در میان دو گروه زبانی همواره کشمکش بوده است. یکی از این دو گروه پارسی زبانانند که از پشتوانه ی فرهنگی و دانشی گسترده تر و ژرف تری برخوردارند. گروه دیگر پشتونها هستند که زورشان بیشتر است زیرا نخستین پادشاه افغانستان (احمد خان ابدالی) که پس از جدایی از ایران خود را احمد شاه درانی نامید (از آنها بود و پس از او همه ی پادشاهان افغانستان و وزیران بلند پایه از آنها بوده اند. هم اکنون رئیس جمهور افغانستان (حامد کارزایی) و ملا عمر رهبر طالبان نیز از آنهاست. قانون اساسی افغانستان هر دو زبان پارسی دری و پشتون را زبانهای رسمی افغانستان نامیده ولی پشتونها میکوشند که واژه ها و زبانزدهای پشتون را در زبان پارسی بیاورند و از آوردن واژه های نو مانند دانشگاه، دانشکده، دانشجو، و پژوهشکده که در ایران نهاده شده اند پیش گیری کنند. در این چند ماه چند تن از استادان دانشگاه و کارکنان بلند پایه ی رسانه ها در کابل به گناه بکاربردن واژه های پارسی از کار برکنار یا کوبیده شده اند و وزیر فرهنگ افغانستان بکار بردن آن واژه ها را ضد ملی و ضد دینی خوانده است.

این نوشتار از یک پارسی زبان ناشناس کابلی است که با کمی ویراستگی در اینجا چاپ میشود. از نشریه ی گرامی بیداری که این نامه را به ما داد سپاسگزاریم. زبان پارسی، دری، و پارسی دری همه یک معنی دارند.

سخنی چند درباره کنشها و واکنشهای این چند ماه

درباره ی زبان پارسی در افغانستان

پارسی دوست کابلی

چندی پیش وزیر اطلاعات و فرهنگ افغانستان با ضد ملی و غیر دینی خواندن واژه های دانشگاه و دانشکده برای حفظ اصطلاحات ملی (؟) بحث ها و کشمکش هایی را پیش آورد که بسیاری از هم میهنان و دیگر پارسی زبانان از آن آگاهند. من که می پنداشتم با پذیرفتن دموکراسی و دو زبان رسمی برای افغانستان دیگر عهد ۲۷۰ ساله ی ستم بر زبان پارسی دری سپری شده است، با افسردگی دیدم که هنوز هم همان آش و همان کاسه است.

واژه های ملی همان اصطلاحات تحمیلی بر زبان دری را میگویند که در دهه های گذشته حکومتیهای مستبد وضع کرده و واژه های دری برابر آن ها ممنوع شده بود، بجای دادستان (خارنوال) بجای درمانگاه یا شفاخانه (روغتون) و بجای زایشگاه (زیژنتون)، بجای مسکین خانه (مرستون) و دیگر چیزها که شمار و فهرست آن نزد هیچکس نیست ولی روز افزون است. این نکته روشن است که هدفشان از اصطلاحات ملی همانا واژه های تحمیلی زبان پشتو است و این ناسازبا قانون اساسی افغانستان است که هر دو زبان پارسی دری و پشتون را زبان رسمی افغانستان نامیده است.

زبان پارسی دری یگانه زبان تاریخی کشور افغانستان است که زبان بیشتر مردم میباشد. این زبان شیرین و پراثر ادبی و فلسفی همان زبانی است که پیش از چیرگی اعراب در ایران و افغانستان بآن سخن میگفتند. به گفته ی دیگر، پارسی دری مرحله ی تکاملی زبان پارسی میانه است که در پی اوستا و پهلوی آمده است. یعنی پارسی نوین را در همه ی کشور های پارسی زبان دری میگویند.

از نگاه زبانشناسی هر زبانی گامه های تکاملی را میپیماید. چنانکه زبان انگلیسی و آلمانی نیز این گامه های تاریخی را پیموده اند. اینکه برخی از نادانان می پندارند واژه هایی مانند کده و گاه و ستان از زبان پهلوی آمده اند، باید فراموش نکنند که پهلوی و اوستا اکنون زبان های مرده ای بیش نیستند و همین پارسی دری در همه جا جانشین آن ها شده است.

هدف از این گفته اینست که زبان کنونی همه ی پارسی زبانان جهان به هر نام که یاد میشود همان زبان پارسی دری است. از اینرو واژه های زبان پارسی از هر کشوری که باشد، برای پارسی زبانان دیگر کشورها بیگانه نیست. وقتی پارسی زبانان افغانستان واژه های معمول در ایران را بکار میبرند یا وارون آن، این کاری است در چهار چوب خود زبان پارسی و تنها پارسی گویان پیوند دارد که چه واژه ای را در کجا بکار ببرند. کسانی که زبان مادری شان پارسی دری نیست، حق این را ندارند که به ما پارسی زبانان دستور بدهند کدام واژه ها را بکار ببریم و از کاربرد کدام واژه پارسی بپرهیزیم. این برآستی کار خودمان است و گزینش واژه ها باید بخود ما واگذار شوند. اگر این دایه های مهربانتر از مادر به پیشبرد زبان دری علاقمند باشند، باید بکوشند که ابزار پرورش و گسترش فرهنگی زبان دری در افغانستان فراهم شود چیزی که در دو صد و هفتاد سال فرمانروایی پشتونها در افغانستان دیده نشده است.

تاجیکهای تاجکستان هم پس از رهایی از سیطره روس میکوشند ریشه های زبان پارسی را نیرومند کرده واژه های معمول در ایران را بکار ببرند، زیرا در ایران در یک صد سال گذشته کوشیده اند با پژوهشهای گسترده واژه های پارسی بیابند یا بسازند. بکار بردن چنین واژه هایی در زبان پارسی افغانستان نه تنها درست است بلکه برای گسترش زبان در شرایط نو کاری بایسته و حیاتی است.

زبانی که ریشه های فرهنگی و تاریخی آنرا بزور ببرند ارج خود را خواهد باخت. بریدن پیوندهای زبانی میان کشورهای همزبان، مردم را از هم دور میکند و از رسایی زبان میکاهد زیرا پس از چندی مردم کشورهای پارسی زبان همدیگر را بخوبی نخواهند فهمید. این کار پس از گذشتن سالیان دراز سرانجام به پارچه پارچه شدن زبان خواهد انجامید. این وقتی است که دیگر اهل یک کشور پارسی زبان نخواهند توانست نوشته هایی از کشوردیگر را بخوانند و نتیجه آن انزوای زبانی خواهد بود. آیا کسانی که میان پارسی زبانان جدایی زبانی می اندازند، هدف شان همین چیز است؟ از ناتوان کردن زبان پارسی دری برای زبان خودشان چه سودی می برند؟



میگویند ظاهر شاه آخرین پادشاه افغانستان بناشران روزنامه ها و دیگران گفته بود که وی از بکاربردن اصطلاحات ایرانی در مطبوعات افغانستان سخت نفرت دارد و باید از کاربرد این واژه ها جلوگیری بشود. شگفت اینست که این پادشاه پشتون که خودش هیچ بزبان پشتون آشنا نبود و زبان مادریش پارسی بود چرا از این تعصب بیجا کار میگرفت؟ مانند ظاهر شاه صدها هزار پشتونی هستند که زبان مادری شان دری است، همچنین دهها هزار ازبک، ترکمن، عرب، سید،

خواجه و غیره در افغانستان زندگی میکنند که زبان مادری همه شان پارسی دری است. ملیونها غیر پارسی زبان هستند که بنام زبان دومی پارسی را خوب گپ میزنند.

از این رو است که پارسی در افغانستان بنام زبان گفت و گوی همگان پایگاهی استوار دارد. اگر بدیده بینا بنگریم این یک واقعیت ملی کشور است که به زور نمیتوان آنرا دیگر کرد. جای شگفتی اینست که در پشتون سد بار واژه ی پاکستانی و هندی را بکار میبرند بی اینکه مقامات رسمی کشور آنرا غیر دینی و غیر ملی بخوانند. پس این بی انصافی در برابر دری از کجا سرچشمه میگردد؟

امروز کشور افغانستان به اتحاد ملی نیاز دارد. یکی از چیزها بیکه بیخ وحدت ملی افغانستان را میکند ادامه ی بی عدالتی زبانی است.

بباید همه حق زبانی متقابل یکدیگر را از ته دل بپذیریم. هر گروه زبانی باید بکوشد زبان خود را چنان آرایش و پیرایش کند که با نیازهای زمان جور باشد. لوحه های رسمی باید همه به هردو زبان رسمی کشور باشد و لوحه بازرگانی و خصوصی را در اختیار مردم بگذارند. هر کسی بهر زبانی لوحه نوشت در نظام دیموکراسی مربوط بخودش است نه بدولت. هر بازرگان و دکاندار لوحه ی خود را بزبانی یا زبانهای خواهد نوشت که بیشتر مردم به آن آشنایی دارند. دیگر نباید لوحه های ظاهر شاه و داود شاه لوحه های پارسی را بزور پایین آورد و مردم را به آویختن لوحه های پشتون مجبور سازند. دیگر نباید بزور نامهای تاریخی مانند سبزواری، دهمزنگ، سیاه سنگ، چهلستون را قربانی پشتون سازی کنند. نامهای تازه باید باتصویب شورای ملی و یا شوراهای شهری و محلی بزبان روا در همان محل نهاده شود. اگر کارهاییکه برای پشتون سازی جبری در گذشته انجام شده باز هم دنبال شود. نه تنها باعث وحدت ملی نخواهد شد بلکه به وحدت ملی بسختی آسیب میزند. باید به اهل زبان چه پارسی زبان چه پشتون زبان و چه ازبکی زبان اختیار بدهیم که چه واژه هایی را در زبان خود بکار ببرند یا نبرند. همچنین باید بهر قومی اجازه بدهیم که نامهای منطقه خود را خودشان به هر زبانی که میخواهند برگزینند. زمانه بسیار دیگر تازه است، مردم با سواد شده اند و روز بروز پایه ی دانش شان بلند تر میشود. زبان مادری و فرهنگ هر گروهی برای خودشان ارجمند است. جلوگیری از گسترش زبان مادری باعث رنجش و بی علاقگی بزبان گروهی میشود و این خود دشواریهای دیگری آفریند.

کوروش کیخسرو شاهرخ



- Corporate & Commercial Litigation
- Incorporations, Mergers & Acquisitions
- Trademark, Copyright and Patent Infringement
- Real Estate Litigation including Foreclosures
- Medical Malpractice
- Personal Injury & Wrongful Death
- Estate Planning & Probate
- Elder Abuse

دعای امور بازرگانی و تجاری

تشکیل، ثبت، خرید و ادغام شرکتها

ثبت حق تالیف، اختراعات، علایم بازرگانی

دعای ملکی، جلوگیری از حراج ملک

معالجات غلط پزشکی

تصادفات، صدمات بدنی و منجر بمرگ

تنظیم وصیت نامه و امور انحصار وراثت

دعای مربوط به آزار سالمندان

The Law Offices of
Koorosh K. Shahrokh, Esq.

Tel: (818) 996-7300

Fax: (818) 996-7301

6345 BALBOA BLVD. SUITE 232, ENCINO, CA 91316

از زرتشت تا سهروردی

نوشته ی فرید شولیزاده



شهاب الدین سهروردی باور دارد که بنیان گزار راستی اخلاق و فلسفه روشنای درون یا اشراق، پیامبر گرانقدر ایران اشو زرتشت بوده است. وی همواره در نوشتارهای خود اشو زرتشت را نیای روحانی خود دانسته که حکمت را به کلمات اولین به رمز و راز بیان می داشت. سهروردی مساله فروغ و تیرگی یا نور و ظلمت را به عنوان روش و قاعده شرق، بر بنیان یا اصل رمز و راز می شناسد و بر آن است که دوگانه پرستی یا ثنویت در آئین اشو زرتشت وجود نداشته است. کنکاشی در تاثیر راهبردی آموزه ها و عرفان خسروانی در اندیشه و فلسفه اشراقی یا روشنایی درونسهروردی میفرماید: وقتی شخصی که به فلسفه استدلالی علاقه مند است علم خود را استحکام بخشد می تواند ریاضت های زاهدانه آغاز کند و به عرصه اشراق وارد شود در این زمان است که بعضی از مبادی اشراق را عیان می بیند. سر آغاز حکمت بردن از دنیا، وسط آن مشاهده انوار خداوندی و آخر آن بی نهایتی است.

کتاب المشارع و المطارحات، حکیم شهاب الدین سهروردی در پی دگرگونی هایی که فرایند مدرنیزاسیون به وجود آورده است، فلسفه روز به روز نقش خود را دگرگون کرد. تا بدانجا که از گونه ای داوندگاری به گونه ای فلسفه کاربردی فرو کاهید. به زبان ساده تر، دانش برتر، هم شان با دیگر دانش ها شد و در پی آن پرمایگی یا علو طلبی انسانها نیز به میان مایگی انجامید.

پس از هگل فلسفه از نظام سازی و نظریه پردازی راهش را سوی موقعیت پردازی و تحلیل گری دگرگون کرد و بدین گونه نظام درونی و نگاه یگانگی یا وحدت وجوی انسان مدرن، که پیش تر دین را نیر از انجام این امور کنار زده بود، دچار آشفستگی گشت.

از دیدگاه نویسنده، رویدادهایی از این دست، بازتاب راز زدائی، عقلانیت ارسطویی، رها کردن ذکر و رهیدگی فلسفه از اشراق و شور درون است. با تمام اختلاف دیدگاه هایی که در معنی و درون مایه ی فلسفه وجود دارد. همگان در این نکته هم داستانند که آن راهوده ی خرد بشر دانسته و به یاری خرد، راه شناخت راستی ها و اعیاء و اشیاء را فراهم دیده اند، مگر سهروردی که آن را بیشتر از خرد یا عقل، بهره یا حاصل الهام و یابش درونی (کشف باطنی) فیلسوف می داند.

وی کسانی را که به نام دارندگان یا صاحبان خمیره حکمت می شناسد، بیشترین شان دارندگان و خداوندگاران یابش یا کشف و شهود و همدمان یا مانوسان با سر درون و راز دل اند.

سهروردی تا بدانجا درای باور خویش پیش می رود که پس از بخش بندی حکیمان به پنج رده، به روشنی یادآور می شود که عارف غیر فیلسوف، از فیلسوف غیر عارف برتر و حکمت ذوقی برتر از حکمت بحثی می باشد. شیخ اشراق بر همین پایه باور دارد که میان فلسفه و هنر راستین، نزدیکی هست، یعنی هر دو از گونه ای یابش و یافتن یا کشف یا انکشاف بر می خیزند. وی در پیش گفتار "حکمت الاشراق"، چنین می نگارد: شما ای برادران همواره از من خواسته اید کتابی بر نگارم که یافته های ذوقی خود را، یعنی آنچه در خلوت و سیر و سلوک و ریاضت و هنگام تجرد از دنیا یافته ام، بنمایانم، زیرا هر کس در این راه گام گزارد و کوشش کند و ریاضت کشد، حقایق را دریابد. چه آنکه هر کوشش کننده ای را ذوقی است و هر ریاضت کشنده ای را یافتی، ناقص یا کامل، فزون یا اندک...

سهروردی باور دارد که انسان نخست باید یاد آور و متذکر حال خویش گردد و خود را دریابد. به راستی آنکه از یادآوری یا ذکر به دور است، نسبت به فلسفه دور یا مهجور می باشد.

سهروردی فیلسوفان پس از افلاطون را (چه در حوزه یونانی و چه در حوزه اسلامی)، روی هم رفته به نام حکیمان گفتمانی یا بحثی می شناسد که تنها بر کارها یا امور برهانی پای فشرده و بسنده کرده اند و با فریبی مغز و ذهنشان به لاغری قلب و دلشان همت گمارده اند.

او بسیاری از آنان را فیلسوف نمایان و مدعیان دروغین حکمت می خواند که پیدایش آنان سبب نابودی حکمت شده است. بنا بر این به دید او در جستن از شور روشنای درون یا اشراق درون و همچنین عشق، انگیزه ی بنیادین ویرانی فلسفه های پس افلاطونی است.

سهروردی بارها در نوشته های خویش این پرسش را به میان کشیده است که چه کس ثابت کرده و پیمان داده است که روش ارسطو برای اندیشه درست باشد؟ به گمان درستی آن، چه کسی بسندگی یا اکتفای بدان را اثبات می تواند کرد؟ مگر می شود افکار و اندیشه بشر را که در کهکشان بی گایان یا فضای لایتناهی و بی مرزی گردش دارد به روش تک بعدی ارسطو محصور ساخت؟ به جای این که به تاریکی دشنام دهیم، بهتر است شمعی بر افروزیم.

(کنفسیوس) به راستی که فلسفه بیش از برهان، با خطابه و بیش از منطق، به یادآوری یا ذکر نسبت دارد و این پس از سقراط بود که فلسفه از راه درستش به بی راهه افتاد و به جدل و اندیشه ی منطقی فرو کاست. به گونه ای که در همان راستا، و در در کانت به معرفت شناسی سقوط نمود و خداوندگاری و آفرینندگی خویش را از دست داد.

سهروردی باورمندی به این سخن را، که رویارویی با رازها پیش از خرد پردازی، یادآوری و گرداختن به وضع خویشتن پیش از فلسفه پردازی، دریافت از ارزش و اهمیت شور و سوز درونی پیش از ساز و آواز بیرونی و همچنین راه و حرکت وجودی پیش از پیش از جولانگری ذهنی را، پیش نیازهایی می

شناسد که فلسفه با پشتوانه ی آنها، بتواند در زندگی انسانها رهگشا باشد.

او باور دارد که جوینده راستی باید دنباله روی یا تقلید را کنار نهد و با گامهای خرد خویش، گام زند، حتا دنباله روی از خود سهروردی نیز روا یا جایز نیست. این درست همانند این سخن زیبا از فردریش نیچه است که از زبان زرتشت و در پایان به یاران خود می فرماید:

اکنون تنها می روم شاگردان من، شما نیز اکنون بروید و تنها بروید! و من این چنین می خواهم، اکنون شما را می فرمایم که مرا گم کنید و خود را بیابید.

شهاب الدین سهروردی باور دارد که بنیان گزار راستی اخلاق و فلسفه روشنای درون یا اشراق، پیامبر گرانقدر ایران اشو زرتشت بوده است. وی همواره در نوشتارهای خود اشو زرتشت را نیای روحانی خود دانسته که حکمت را به کلمات اولین به رمز و راز بیان می داشت و انکار نیست.

پیوند های او با پیشرو و استاد معنوی اش، نوعی پیوند روحانی است که در بند بر آورد ها یا معیارهای تاریخ نگاران اثبات گرا بسته یا محدود نیست. این پیوند به گونه ای مکاشفه و یابش و نگرش درونی یا شهود باطنی است که از مشرق معرفت ناشی شده و در خوی پر و پیمان آدمی گوشه گرفته یا منطوقی است. داستان مکاشفه سهروردی در (التلویحات) وی، تا اندازه ای می تواند از روی نار. شنی یا ابهام این سخن پرده بردارد و چونی یا کیفیت پیوند را نمایان سازد.

سهروردی مساله فروغ و تیرگی یا نور و ظلمت را به عنوان روش و قاعده شرق، بر بنیان یا اصل رمز و راز می شناسد و بر آن است که دوگانه پرستی یا ثنویت در آئین اشو زرتشت وجود نداشته است. برترین و بالاترین هستی یا وجود، اهورامزدا است که سرچشمه یا مظهر خوبی است و تنها خوبی و نیکی و مهربانی از وی درخشندگی و تجلی دارد.

سپتامینو سرچشمه ی خوبی ها و آنگره مینو، نمایانگر زشتی هاست که هر دو همزادند و در خلقت بشر نما پیدا می کنند. به زبان ساده تر هر دو نسی هستند.

این مرگ و زندگی، بودن و نبودن و چگونه زیستن بشر است که به آن دو معنای بخشد. به هستی رسیدن و به وجود آمدن هر گونه بدی، چیزی جز کوتاهی یا ناتوانی یا عاجز در نیکی و به راستی دوری از پروردگار نیست. سهروردی در فلسفه روشنای درون یا اشراقی، خود و خوانش خویش، از بینش اشو زرتشت رویکردی به یگانگی دارد و دوگانگی یا دوآلیسم را رد می کند. این رویه در دیدگاه یا نظریه سهروردی پیرامون نسبت عمل و نظر، نما و تجلی بیشتری می یابد و راهی برای روزگار پاره پاره ی ما می گشاید.

در اندیشه اشراقی، دید یا نظر با کنش یا عمل و همچنین ذهن با عین تنها در رده های نخستین سلوک نفس و ارتقای آن در درجه های بالا و عالیه روحی یگانگی یا اتحاد نمی یابد، بلکه میان عقل موجد و عمل شناخت اتحادی اساسی وجود دارد.

برابری یا تطابقی میان ابزار یا وسایل شناخت و وسایل ایجاد، شعاعی که از دیدگاه سهروردی بنای هستی را پی می نهد همان است که شناخت را برای موجودی که بر آن می تابد حمل می کند.

سهروردی باور دارد که بر این پایه جهان هستی، پیوستگی یا انسجام و سامان یا انتظام می یابد و به یاری فروغ و فروزه هایی که از راستی یا حقیقت بر موجودات تابیده می شود، دانش ها یا معارف با آنها پیوند پیدا می کند یا به آنها القا می شود.

به گفته ی پور سینا (ابو علی سینا)، روشنایی های درون یا اشراقات معرفت، آرام آرام از خرد برتر یا عقول عالیه به خرد کاربردی یا عقل فعال انجام می پذیرد و خرد کاربردی یا عقل فعال خود پای بند یا مکلف به روشنای درون یا معرفت انسانی است.

پور سینا بر این باور است که خرد کاربردی یا عقل فعال در اینجا شناسه یا صفت راهنمای روانی یا مرشد روحی را دارد که بر نفس مشرق است، زیرا هم شادی آور یا موجد نفس است هم پیوند دهنده یا القا کننده شناخت بر او، در رده ها یا مدارج سلوک روحانی نیز دستگیر اوست تا به جوار خرد کاربردی یا عقل فعال برسد... نمود دوآلیسم در پندار و اندیشه انسان و دوگانگی یا ثنویت در خوی یا اخلاق (سپنتا مینو، انگر مینو) به راستی دو کنش ستیزمند در ماهیت خمیره اندیشه ای یا فکری آدمی است که انگیزه ی تعریف هستی و نیستی و حرکت و سکون وی در این چرخه و سامان اشائی می شود.

سهروردی بر این نکته پای می ورزد که نخستین بار اشو زرتشت تجربه اخلاقی، انسانی از نیکی و بدی را نما و نمود بیرونی داد و به آن ژرفا و بعد خداشناسانه و کیهان شناسانه بخشید. این کلام در برداشت وی از اشراق هویداست. به راستی اشو زرتشت نخستین کس در تاریخ بشر است که خوی و اخلاق را با متافیزیک جابجا کرد.

زرتشت درست دیدن یا همان صداقت را به بشر آموخت:

((آنچه من دروغ می نامم این است که از دیدن چیزی که می بینم سر باز نی زدم.)) به راستی روشن بینی یعنی با خود صادق بودن، جرات بر زبان آوردن باور های خود را داشتن، جرات راستی، جراتی است که بر گفتن و اندیشیدن به آنها پیشی دارد. یعنی جرات دیدن آنهاست. در این معناست که از چشم انداز نگاه سهروردی، اشو زرتشت تبدیل به راستگو یا صادق ترین اندیشمند تاریخ بشری می شود. به انگیزه ی همین راستی و نگاه درون نگر است که بسیاری از اندیشمندان روزگاز، بهترین پیش آیند یا کمال مطلوب خویش را در دل و بطن آموزه های جاویدان آن و خشور یافته اند...

هر کس به زبانی رویارویی این جهان و آن جهان را بر زبان می آورد. باورمند به مذهب از هستی دنیایی و هستی اخروی، فیلسوف از بود و نبود و عین و ذهن سخن می گوید، دانشمند اخلاق و روانشناس، روان یا روح را در برابر و مقابل تن قرار می دهد و دانشمند داده ناب و خالص را در برابر قانون ریاضی می نهد و بدین سان هر کدام به گونه ای نسبت به آنچه در حضور و بی واسطه در ظهور است بد گمان است و تنها آن چیزی را راستین و در خور نگرش می داند که در پس و پشت است...

حکیم شهاب الدین سهروردی می گوید:

فرزانه کسی است که تند نرود و فرهیخته آن است که تمام بد گمانی های لازم را نسبت به داده ها داشته باشد. وی معتقد بود که در این نوع نگرش ارزش زدائی از زندگی نهفته است. سهروردی، اشو زرتشت را بواسطه آنکه انسان را از فاصله انداختن میان خدا و بشر، روح و بدن، نمود و وجود رهایی بخشید همواره مورد ستایش و تمجید شایان قرار داده است...

نامش پاینده و کلامش پایدار، ایدون باد.

نامه:

۱: حکمت الاشراق (حکیم شهاب الدین سهروردی)

۲: آئین زرتشت در اندیشه سهروردی (هانری کرین)

۳: چنین گفت زرتشت (فردریش نیچه)

نامه های خوانندگان

پشهادی در باره ی پیشنهاد موبد کورش نیکنام

با درود فراوان به دست اندرکاران ماهنامه زرتشتیان کالیفرنیا نوشتاری بنام "بازنگری و هماهنگی در گاه شمار زرتشتی" که در آن پیشنهاد دادند که روزهای ۳۱ هر ماه را (۶ماه اول هر سال) بنام آورداد بنامیم تا در هر ماه روز اورمزد با روزهای چاپ شده در سالنما برابری داشته باشد. من باور دارم که این کار خوبی است. ولی چون زرتشتیان و انجمن ها در سراسر گیتی پراکنده هستند بنابراین پیشنهاد میکنم که این را به رای بگذارند. در همین ماهنامه و از مردم دیگر نگر خواهی کنند که در مدتی نزدیک به یک سال مردم نگر خود را بگویند، آنگاه انجمن موبدان تصمیم بگیرد. در جامعه زرتشتی شمار زیادی دین دار هستند که در نماز روزانه خود، روز و ماه را می گویند و کار به تقویم ندارند و همواره پس از روز انارام، فردای آن روز اورمزد را می گویند و اگر آورداد به میان آید بویژه اینکه ۶ ماه سال است به اشتباه میافتند. در این باره نیز باید چاره اندیشیده شود.

خداداد خدابخشی - تهران

سردبیر گرامی

چندی پیش یک نسخه از ماهنامه را با خود به ایران بردم و به چند تن از دوستان و آشنایان نشان دادم. آنها هم چون من از دیدن و خواندن این نشریه شاد و خورسند شدند. آیا می توانید آبونمان از ایران بپذیرید؟

فرزانه - اورنج کانتی

پاسخ:

خانم فرزانه با سپاس از مهر شما. ماهنامه زرتشتیان اکنون آبونمان نمی پذیرد ولی شما و دیگران می توانید این ماهنامه را در تارنمای www.czcJournal.org بخوانید.

سردبیر گرامی

... به راستی من آغاز هر فصل در سوپرمارکت کوی خودمان چشم براه دریافت ماهنامه زرتشتیان هستم. خواهش می کنم اگر میشود برگ های این نشریه را زیادتر کرده و آن را ماهانه بفرمایید.

فرشته . لوس آنجلس

پاسخ:

با سپاس. امیدواریم که پس از گسترش مالی ماهنامه ؛ بتوانیم درخواست شما را انجام دهیم.

سردبیر گرامی

از شما و از مرکز زرتشتیان برای بیرون دادن این رسانه بسیار سپاسگزارم کرده درخواست دارم که تیراژ نشریه را بالاتر برده تا در دیگر شهرهای آمریکا و کانادا نیز به دست دوستان و مهوروزان ایرانی برسد.

نیک مش . کانادا

پاسخ:

باسپاس. هم اکنون چند نسخه از ماهنامه زرتشتیان به شهرهای ونکوور و تورانتو کانادا فرستاده می شود. توان مالی ما کم و هزینه پستی بسیار زیاد می باشد. کسانی که در کشورهای دیگر هستند و به اینترنت دسترسی دارند می توانند نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را از تارنمای www.czcJournal.org بخوانند. امید واریم با کمک مالی خوانندگان گرامی در آینده تیراژ ماهنامه افزوده شود.

پاسخ به نامه ی موبد یارستم ثالث

باسپاس از مهر شما و پشتیبانی همیشگی تان از رسانه های مرکز زرتشتیان.

پیرو نامه ی شما در باره ی «کمیتة نظارت بر زمینهای موقوفه...» همانگونه که انجمن موبدان تهران نیز پیشنهاد کردند این کار بس مهم بوده و باید آن را با انجمن زرتشتیان تهران پیگیری کنید. از پیشنهادات و نگرهای شما سپاسگزاریم.

سردبیر



در باره ی دبیره ی پارسی

برخی از خوانندگان خواسته اند که در باره ی دبیره ی (خط) پارسی بیشتر بنویسیم و کاری بکنیم زیرا دبیره ی عربی بنیاد کنونی، برای کودکان ایرانی تبار برونمرز بسیار دشوار است. من پیش از این نوشته ام که دیگر کردن الفبای پارسی کاری بایسته است ولی در توان ما نیست. این کار باید در کشور انجام شود یا سازمانهای بزرگ در برونمرز به آن بپردازند.

یکی از خوانندگان پیام داده است که دیگر کردن دبیره ی کاری فرعی است و آنرا فدای اصل نکنید. در پاسخ او میگویم که این نویسنده و این ماهنامه راه خود را دارند. خوانندگان اگر پرسشی یا پیشنهادی دارند میتوانند بنویسند تا رسیدگی گردد و پاسخ داده شود. **زرتشت آزادی**

تلنگری برای

دوستاران تاریخ و فرهنگ ایران زمین

آریا فرهی

با برگ زدن رویه های تاریخ ایران در جای جای آن چپاول و تجاوز به چشم می خورد. از یک سو آب و خاک این سرزمین را چپاول کردند و از سوی دیگر فرهنگ و تاریخ آن را به تاراج بردند. در ۲۰ مرداد ماه یکی از ننگین ترین امتیازهای تاریخ این سرزمین با نام پیمان نامه ی «دمورگان» در دربار قاجاریان به امضا رسید و تا سال ها فرهنگ و تاریخ این سرزمین به تاراج رفت. موزه های فرانسویان را پیشینه و آثار ایران زمین پر رفت و آمد کرده است و گر نه فرانسه جز تاریخی که پیشینه ی آن به صدها سال می رسد، چیز دیگری برای نمایش ندارد و هر آنچه که هست تاریخ معاصر فرانسه است. اما در موزه های آن می توان تاریخی با پیشینه ی چندین هزار ساله را خواند و دید. چپاول میراث تاریخی ایران از صدها سال پیش، پس از انتشار سفر نامه های جهانگردان و مسافرت فرنگیان بدین مرز و بوم آغاز شد. اما چپاول ها رسماً در روزگار پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار، هنگامی که فرانسویان امتیاز حفاری در گستره ی تاریخی شوش را گرفتند، آغاز شد. از سال ۱۸۸۵ میلادی، این امتیاز نقطه ی عطفی در تاریخ ایران برای چپاول بازمانده های (میراث) تاریخی بود، به گونه ای که نزدیک به ۹۵ سال این کاوش ها و حفاری ها ادامه پیدا کرد.

مهندس معمار فرانسوی به نام «مارسل دیولافوا» برای تهیه ی پیش زمینه ی کاوش های باستان شناسی اش در شوش به ایران آمد. «دیولافوا» به همراه همسرش «ژان» و دو دستیار، کار خود را در تپه ی شوش آغاز کرد. معمار فرانسوی بدون نگرش به درونمایه ی قرداد با دولت ایران و با به کارگیری روش های غیر قانونی، اشیای به دست آمده و حتا سازه هایی را که جابجایی آنها به روشنایی در توافق نامه ایران منع شده بود، به موزه ی «لوور» پاریس برد. یافته های دیولافواها و گنجینه ی گرانبهایی که او از کاوش ها به دست آورده بود، مدال لژیون دونور را برایش به ارمغان آورد. فرانسویان به شونند زیر پا گذاردن درونمایه ی قرارداد، خشم دربار قاجار را برانگیختند، بنابراین درباریان از فرانسویان شکایت کردند. فرانسویان برای از میان بردن رنجش های بوجود آمده، ناصرالدین شاه را برای دیدن پاریس فراخواندند. فرانسویان در پایان این سفر امتیاز انحصاری حفاری های باستان شناسی در همه ی خاک ایران را بدست آوردند. اما با کشته شدن ناصرالدین شاه، این قرارداد هرگز به مرحله اجرا درنیامد.

با توجه به ارزشمندی منطقه ی باستانی شوش، فرانسویان بار دیگر در زمان پادشاهی مظفرالدین شاه قاجار گام پیش نهاده و خواستار اجرای قرارداد بسته شده ی پیشین شدند. شاه ایران وعده ی کمک و همیاری به فرانسویان داد و همین امر شونند (سبب) بسته شدن قرارداد تازه و غیرمنصفانه ای شد که در تاریخ باستان شناسی ایران به قرارداد «دمورگان» نامدار شده است. ب پایه ی این قرارداد نه تنها امتیاز کاوش های شوش، بلکه مطالعات و حفاری های باستان شناسی سراسر ایران به فرانسویان داده شد. قرارداد دمورگان دست او را تا اندازه ای باز گذاشت تا یکی از بزرگترین چپاول های باستان شناسی را در تاریخ ایران بنگارد. دمورگان در کاوش ها خود هیچ گونه اهمیتی به لایه نگاری نمی داد و با استفاده از ۷۰۰۰ کارگر به تندی و بدون توجه به لایه نگاری، داشته های بسیاری را از میان برد. این چنین او با ویرانی این گستره تاریخی اشیای ارزشمندی را که بیش از ۵۰۰۰ قطعه بود به فرانسه برد، که از با ارزش ترین آنها می توان به لوح حمورابی، نخستین قانون نوشته شده ی بشری اشاره کرد. دمورگان برای این که هیات فرانسوی از آسیب و ناملایمات محیط که دیولافوا را آزار داده بود حفظ کند، و اردوگاهی همیشگی بر پا دارد از آجرهای بازمانده از ماعبد و سازه های عیلامی و هخامنشی سود جست و دژی به نام شاتو را بر بالاترین تل شوش با اکروپولیس شوش به پا کرد. این کار ضمن اینکه با شکوه ترین دژ و موزه ی آجر ایران را آفرید، شوربختانه شونند نابودی تپه ی اکروپولیس شوش شد که جزیی از تاریخ و میراث کشورمان بود. این چپاول و ویرانی ها همچنان تا سال های پس از آن ادامه پیدا کرد. بیگانگان به کمک امتیازاتی که پادشاهان قاجار به آنها داده بودند، دست به ویرانی و چپاول میراث این سرزمین زدند تا اندازه ای که امروزه برای دیدن میراث خویشتن بایستی از موزه های انگلیسی ها و فرانسویان دیدن کنیم.

این برگی از تاریخ باستان شناسی ایران است، برگی که نشان می دهد که چگونه خود میراث خود را از میان بردیم. این چنین خود با دستان خود تاریخ و پیشینه ی چندین هزار ساله ی خویش را به بیگانگان پیشکش کردیم، به گونه ای که سال ها پس از آن برای دانستن تاریخ سرزمین خود بایستی کیلومترها آن سو تر به دنبال آثاری از فرهنگ و تمدن چندین هزار ساله مان بگردیم. افسوس، کشوری با پیشینه ی چندین هزار ساله همچنان موزه ای در خور تمدن خویش ندارد. شاید این موضوع هشدار برای میهن دوستان و دوست داران تاریخ و فرهنگ این ملت باشد تا گامی در این زمینه بردارند و کاری انجام دهند که شایسته ی این تاریخ و فرهنگ است.

اندیشه نیک ، گفتار نیک، کردار نیک

مهدی دهقان یزدی و همکاران

متخصص فروش خانه های حراجی در جنوب کالیفرنیا



**خرید و فروش
املاک مسکونی
Income Property
با کمترین هزینه.**

شخصاً

مبلغ خرید و فروش منزل
شما را در هر کجای دنیا به
شما تحویل می دهیم

www.MaxMehdi.com

maxmehdi@hotmail.com

949.307.4330

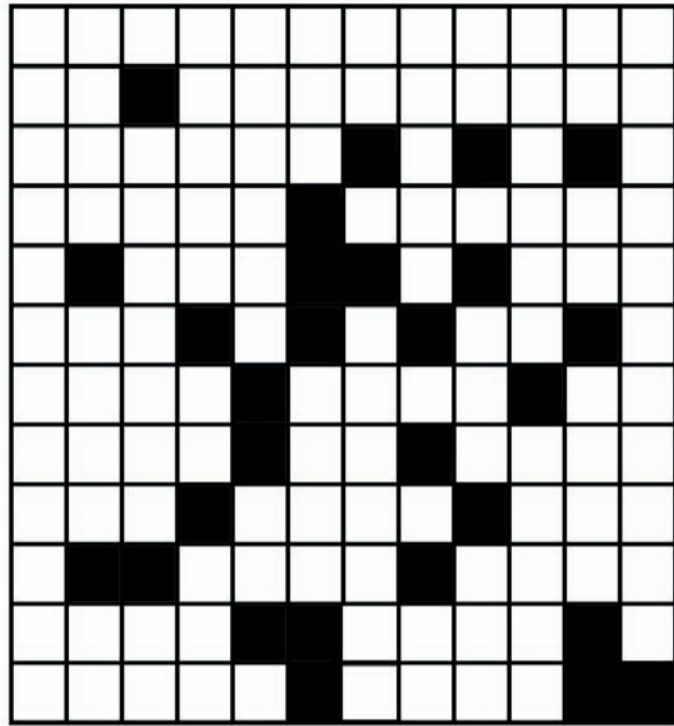


جدول شماره ۱۱

طراح: خداداد خدابخشی

افقی:

۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



- ۱ - جشنی در این روز بر پا می شود.
- ۲ - نام یکی از روزها - غوره پنه.
- ۳ - تحویل دادن.
- ۴ - صاحبان تخت - قیمتی ندارد.
- ۵ - ولی - پرنده است.
- ۶ - از آن طرف ریشه است - گران نیست ولی ارزن هم نشده.
- ۷ - معما چو... گشت آسان شود - صفت خداوند - گرفتن چیزی را تایید می کند.
- ۸ - ماشین خا کبر داری - استان مذهبی - حرف انگلیسی.
- ۹ - از آنطرف روزی است. مقابل ایستا - مقیاس سطح.
- ۱۰ - چیزی را فراموش نمی کند - مستخدم مدرسه.
- ۱۱ - پیوند زناشویی - انسان.
- ۱۲ - دوست کباب - ارازل.

عمودی:

- ۱ - یک نوع شیرینی
- ۲ - از آن سو همان سو است - رنگرزی آن معروف است - از اشکال هندسی.
- ۳ - فصل سرما - محلی در تهران.
- ۴ - ضمیر جمع - عددی به زبان ترکی - نام است با انشاء غلط.
- ۵ - به جا و میزان - نت ششم.
- ۶ - علامت صفت بی واسطه - گرداندن یا به اجرا درآوردن کاری.
- ۷ - امیر کوتاه شده - از امرا.
- ۸ - یکی از سین ها را بردارید موادی است معدنی - دویار قد بلند.

- ۹ - هدیه ها - نیمه راست - نویسنده معروف اروپایی.
- ۱۰ - محلی در امریکا - خرسی در آسمان.
- ۱۱ - بی هوده نیست خودش است - خطر کردن - ضمیر جمع.
- ۱۲ - یکی از ایزدان - رویدن.

دفتر حقوقی

دکتر سالومه امیرقهاری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال با فوق تخصص در امور مالیاتی

Saloumeh Amirghahari, J. D., LL.M.(tax)
Attorney At Law



J. D., LL.M.
Taxation, Estate Planning
Corporate and Business Law

- Estate Planning, Trust Administration & Probate امور انحصار وراثت
- Corporations, Partnerships, LLC امور تجاری و بازرگانی
- Business Contracts & Agreements ثبت و انحلال شرکت ها
- Asset Protection حفاظت از سرمایه و اموال
- Tax, IRS, FTB, Board of Equalization, تنظیم قراردادها
- Tax Courts and Collections دعاوی مالیاتی با IRS و FTB
- Immigration Law امور مهاجرت

(949)387-1818

Orange County

(310)893-9993

Los Angeles

Cell: 714-469-4722

Fax: (949) 263-0005

19800 MacArthur Blvd., Suite 1000 • Irvine, CA 92612-2433 • Email: sally@amirghaharilaw.com

چاپ کتاب ، سالنما

با بهترین کیفیت و کمترین بها



شرکت چاپ آنلیمیتد

TEL: 818- 882-1212

Fax: 818- 882-7531

بن مایه ها: تارنمای بازمانده های فرهنگی و دیگر جاها

یاد استاد تورج نگهبان گرامی باد



استاد تورج نگهبان در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در اهواز دنیا آمد و در روز چهارشنبه ۲۰ اوت در لوس آنجلس درگذشت. استاد دانش خود را در رشته ادبیات انگلیسی و حقوق از دانشگاه تهران به پایان برد و آشنایی او با همایون خرم بود که او را به عرصه ترانه سرایی آشنا کرد. استاد نگهبان از همکاران اصلی برنامه موسیقی گلها و پیش از رویداد سال ۱۳۵۷ معاون اداره مطبوعات رادیو و سرپرست انتشارات سازمان صنایع دستی ایران بود. استاد نگهبان بیش از ۷۰۰ ترانه به روی آهنگهای خوانندگان بزرگ ایرانی همچون مرضیه، دلکش، داریوش، هایده، مهستی، گوگوش و ... را می توان نام برد استاد تورج نگهبان همواره به فرهنگ ایران باستان مهر می ورزید. یادش گرامی باد

تپه ی هفت هزار ساله ی پردیس رو به نابودی است



سالار پژوهشکده ی باستانشناسی هشدار داد که تپه ی هفت هزار ساله ی پردیس در ورامین رو به ویرانی می رود و پیش از آنکه با خاک یکسان گردد باید از خاک برداری پیرامون آن، که زمین خواران و سودجویان انجام می دهند، پیشگیری شود. تپه ی پردیس یادگارهایی از نیمه ی نخست هزاره ی پنجم پیش از مسیح را دربر دارد. در آن دوران دگرگشت های (تغییرات) گسترده ی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در پلات (فلات) ایران روی داده و ماناک های (آثار) آن در جاهایی از جمله در تپه ی پردیس و تپه ی زاغه دشت قزوین مانده است. یکی از دانایان گفته است که پردیس میتواند نشانگر زمان و دامنه ی برجسته ترین دگرگشتها (تغییرات) در میانگاه (مرکز) پلات ایران باشد. گمانه زنی هادر پیرامون این تپه، گورستانی را یافته که از آن دوران آهن یعنی به هفت هزار سال پیش است. سالار پژوهشکده ی باستانشناسی از ویران شدن تپه ی پردیس بیمناک است و باور دارد که پردیس و پیرامون آن باید موزه ای فرهنگی شود.

در تپه ی پردیس و تپه ی زاغه دشت قزوین مانده است. یکی از دانایان گفته است که پردیس میتواند نشانگر زمان و دامنه ی برجسته ترین دگرگشتها (تغییرات) در میانگاه (مرکز) پلات ایران باشد. گمانه زنی هادر پیرامون این تپه، گورستانی را یافته که از آن دوران آهن یعنی به هفت هزار سال پیش است. سالار پژوهشکده ی باستانشناسی از ویران شدن تپه ی پردیس بیمناک است و باور دارد که پردیس و پیرامون آن باید موزه ای فرهنگی شود.

شیر و خورشیدها پایین آورده شدند

امرداد سال جاری دو تندیس طلایی رنگ شیر و خورشید که نزدیک به ۳۰ سال از دیدن رخدادهایی که در میدان بهارستان روی می دادند، بی بهره بودند بار دیگر بر سر در مجلس شورای ملی قد برافراشتند. با این حال خودنمایی این نماد باستانی بر سر در مجلس چند روزی بیشتر به درازا نینجامید. این دو تندیس اکنون پایین دروازه ی اصلی مجلس، پشت به جایگاه نخستین خود قرار دارند. البته این تندیس ها که اکنون ۹۹ ساله هستند پس از بازسازی در حالی به خانه شان، بر بالای ستون ها، بازگشته بودند که نشان خورشید دیگر بر پشت شیر نبود و تنها نشان شیر و شمشیر به دروازه های مجلس شورای ملی در میدان بهارستان بازگشته بود.



پیش از این کورش نیکنام، نماینده زرتشتیان ایران، خواهان بازگردانی نشان شیر و خورشید بود. در بخشی از سخنان نیکنام چنین آمده بود: «نشان شیر و خورشید یکی از کهن ترین نمادهای ملی ایرانیان است، نگهداری از این نماد در گذر هزاره ها نشانه ی ارزشمندی آن

نزد نیاکانمان بوده است. شیر نشان شجاعت، دلیری و غرور بوده است و خورشید نیز نماد مهر ایرانی است.» البته سال گذشته پیرامون بازگشت این نشان باستانی در مجلس گفت و گوهایی انجام شد و غلامعلی حداد عادل، فرسخین مجلس پیشین نیز با بازگشت تندیس ها موافقت کرد. این دو تندیس سنگی همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ به همراه عدل مظفر از جای اصلی خود پایین کشیده شدند و در پشت ساختمان مجلس رها شدند. به گفته روابط عمومی کتابخانه ی مجلس، نماد شیر سنگی، نمادی طاغوتی نیست بلکه این نمادی کاملاً ایرانی است.

شجریان: چون دوست دشمن است، شکایت کجا برم؟

دوشنبه ۴ شهریور ۸۷ برای دومین روز پیاپی در کنسرت همایون شجریان و گروه دستان، برق سالن وزارت کشور قطع شد.

این امر گله و شکایت مردم از دست اندرکاران تالار وزارت کشور را به دنبال داشت. پس از یک ساعت دیر کرد دست اندرکاران تالار وزارت کشور اعلام کردند برق سالن بر پا شده. و کنسرت آغاز می شود اما پیش از ورود همایون شجریان و گروه دستان به سن، محمدرضا شجریان در میان تشویق مردم روی صحنه آمد و از وضع موجود گله کرد.

شجریان که هر جمله از سخنانش به علت تشویق بسیار مردم قطع می شد، گفت: «سلام و درود بر شما. دست یکایک شما را می بوسم. شما مردمانی که با این وضع تحمل می کنید، اینگونه رفتارها را که جز شطینت چیزی نیست. وزارت کشور که صاحب خانه است باید بگوید که چرا در چنین موقعیتی برقص می رود. ما مشکل بزرگی همه مان داریم، آن اینکه هیچ کس جوابگوی ما نیست. از دشمنان برند شکایت به دوستان، چون دوست دشمن است شکایت کجا برم. کسانی که نمی خواهند موسیقی داشته باشیم سخت در اشتباهند. تا زبان فارسی هست، موسیقی این زبان هست. هیچ کس نمی تواند به این زبان و به این موسیقی اجحاف کند. پوزش می خواهم از همه تان و دست تک تک شما را می بوسم. اعصاب بچه های ما را خراب کردند امشب، به هر حال برنامه را اجرا خواهند کرد. تحملتان باز هم بیش از این باشد تا بتوانیم ما در کنار یکدیگر و با صلح و صفا زندگی کنیم»

دبیرستان فیروز بهرام رتبه نخست منطقه ۱۲



بنابر گزارش رسیده از سوی خدادار راسخی خرمی، مدیر دبیرستان فیروز بهرام، دانش آموزان رشته ریاضی دبیرستان فیروز بهرام در منطقه ۱۲ آموزش و پرورش تهران رتبه نخست آموزشی را بدست آوردند. او افزود که مدارس مناطق گوناگون آموزشی نسبت به معدل رتبه بندی می شدند و دبیرستان فیروز بهرام در آزمون نهایی سال سوم رشته ریاضی در خرداد ماه رتبه نخست منطقه ۱۲ را بدست آورد.

دبیرستان فیروز بهرام در دی ماه ۱۳۱۱ خورشیدی گشایش یافت و بر روی زمین انجمن زرتشتیان تهران و به سرپرستی نیک اندیش اردشیر کیامنش و به رهنمونی و دستیاری ارباب کیخسرو شاهرخ ساخته شد.

زیستگاه مردم دوره ی آهن و گورستان دوره ی ساسانی در زیر آب

باستانشناسان ایرانی در بررسی سرزمینهای پشت بند (سد) البرز در سواد کوه، یک تپه ی تاریخی از دوره ی آهن و یک گورستان که میتواند از دوره ی ساسانی باشد و نیز چند تپه ی باستانی از دوره اسلامی یابش کرده اند.

با بالا آمدن آب این بند، نزدیک به دوازده روستا همراه با ماناک های (آثار) نامبرده زیر آب خواهند رفت. بند البرز با بلندی ۷۲ متر در شهرستان سواد کوه، در استان مازندران، بسته شده و تا یک سال دیگر به بهره برداری خواهد رسید. بانک جهانی نزدیک به یکصد میلیون دلار برای ساختن این بند، که ماناک های تاریخی ایران را به زیر آب خواهد برد، وام داده است.

به انگیزه نداشتن پول بسنده بررسی های باستانشناسی به پایان نرسیده ولی آشکار است که این سرزمین از دیدگاه تاریخی جایی ارجمند است و بند البرز جاهایی بس ارجمند را به زیر آب خواهد برد.

نیایشگاه ایزد بانو آناهیتا در کنگاور (کرمانشاهان)



نیایشگاه آناهیتا در کنگاور یکی از یادگارهای ایرانیان مهری است.

مهربان ایرانیان پیش از اشوزرتشت بودند که مهر را می پرستیدند و آناهیتا را مادر مهر می دانستند. آناهیتا ایزد بانوی آب نیز بود.

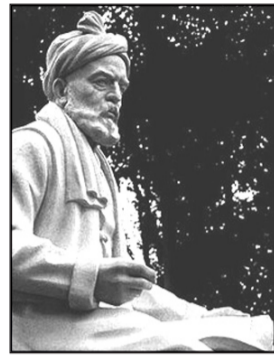
سازمان میراث فرهنگی کنگاور گامهای نخستین را برای خریدن زمینها و ساختمانهای پیرامون نیایشگاه آناهیتا برداشته تا بتواند نیایشگاه را در یونسکو نوشته کند (به ثبت رساند). پولی که تاکنون برای خرید زمینها

و ساختمانها از دولت گرفته اند ۱۵۰ میلیون تومان است (نزدیک به یکصد و پنجاه هزار دلار).

یکی از دانایان گفته است که برای انجام همه ی کار به صد میلیارد تومان نیازمندند.

نیایشگاه آناهیتا در شهرستان کنگاور در سر راه همدان به کرمانشاه است. برخی از کارشناسان ساختمان را از دوره ی هخامنشی یا اشکانی می دانند.

داستان آفرینش از فردوسی بزرگ



دوستان گرامی چکامه زیر گفتار اندر آفرینش جهان و مردم در کتاب بی همتا شاهنامه از فردوسی بزرگ است. کنایه بدون هیچ واژه تازی که در زمانی نگاشته شد که گویش به پارسی جرم بود. به راستی فردوسی بزرگ با شاهنامه نه تنها بمانند واژه نامه ای، زبان پارسی را در گذر زمان برای ما به جا گذاشت، همچنین فرهنگ و تمدن ایران زمین را نیز به مانند سندی در برگ برگ خود جای داد. از اینروست که امروز می توانیم به فرهنگ هزاران ساله خود بناییم. از اینرو تلاش می شود در هر شماره چکامه ای از این کتاب گهربار چاپ شود.

از آغاز باید که دانی درست که یزدان ز ناچیز چیز آفرید سرمایه گوهران این چهار یکی آتشی بر شده نابناک نخستین که آتش ز جنبش دمید وزان پس به آرامی سردی نمود چو این چار گوهر بجای آمدند گهر ها یک اندر دگر ساخته پدید آمد این گنبد تیز رو ابر ده و دو هفت شد کدخدای در بخشش و دادن آمد پدید فلک ها یک اندر دگر بسته شد چون دریا و چون کوه و چون دشت و راغ بیالید کوه آبها بر دمید زمین را بلندی نبود جایگاه ستاره بر او بر شکفتی نمود همی بر شد آتش فرود آمد آب گیا رست با چند گونه درخت بیالید ندارد جز این نیرویی وزان پس چو جونبند آمد پدید خورو خواب و آرام جوید همی نه گویا زبان ونه جويا خرد نداند بد و نیک فر جام کار چو دانا توانا بد و دادگر چو زین بگذری مردم آمد پدید سرش راست شد چو سرو پذیرنده ی هوش و رای و خرد ز راه خرد بنگری اندکی مگر مردمی خیره خواهی همی ترا از دو گیتی برآورده اند نخستین فطرت پسین شمار شنیدم ز دانا دگرگونه زین نگه کن سرانجام خود را ببین به رنج اندر آری تنت را رواست چو خواهی که یابی زهر بد رها نگه کن بدین گنبد تیز گرد نه گشت زمانه بفرسایدش نه از جنبش آرام گیرد همی

سر مایه ی گوهران از نخست بدان تا توانایی آرد پدید برآورده بی رنج و بی روزگار میان آب و باد از بر تیره خاک ز گرمیش پس خشکی آمد پدید ز سردی همان باز تری فرود ز بهر سپنجی سرای آمدند زهر گونه گردن بر افراخته شکفتی نماینده ی نو به نو گرفتند هریک سزاوار جای ببخشیدند دانا چنان چون سزید بجنید چون کار پیوسته شد زمین شد به کردار روشن چراغ سر رستی سوی بالا کشید یکی مرکزی تیره بود و سیاه به خاک اندورن روشنایی فرود همی گشت گرد زمین آفتاب به زیر اندر آمد سرانشان ز بخت نپوید چو پویندگان هر سوئی همه دشت زیر خویشتن آوردید وز آن زندگی کام جوید همی ز خاک و زخاشاک تن پرورد نخواهد ازو بندگی کردگار ازیرا نکرد ایچ پنهان هنر شد این بند ها را سراسر کلید بلند به گفتار خوب و خرد کاربند مر اورا ددو دام فرمان برد که مردم به معنی چه باشد یکی جز این را نشانی ندانی همی به چندین میانچی پرورده اند تویی خویشتن را به بازی مدار چه دانم راز جهان آفرین چو کاری بیایی ازین به گزین بردن به دانش سزاست سر اندر نیاری به دام بلا که درمان ازوبست و زوبست درد نه آن رنج و تیمار بگزایدش نه چون ما تباهی پذیرد همی

روزی خواهم آمد

سهراب سپهری

گوئی که ترا به خواب دیدم
از تو تا من سکوت و حیرت
از من تا تو نگاه و تردید
ما را می خواند مرغی از دور
می خواند بیابان سبز خورشید

در ما تب تند بوسه می سوخت
ما تشنه خون شور بودیم
در زورق آب های لرزان
بازیچه عطر و نور بودیم

می زد، می زد، درون دریا
از دلهره فرو کشیدن
امواج، امواج ناشکیبا
در طغیان بهم رسیدن

دستانت را دراز کردی
چون جریان های بی سرانجام
لب هایت با سلام بوسه
ویران گشتند روی لب هام

یک لحظه تمام آسمان را
در هاله ئی از بلور دیدم
خود را و ترا و زندگی را
در دایره های نور دیدم

گوئی که نسیم داغ دوزخ
پیچید میان گیسوانم
چون قطره ئی از طلای سوزان
عشق تو چکید بر لبانم

آنگاه ز دور دست دریا
امواج بسوی ما خزیدند
بی آنکه مرا بخویش آرند
آرام ترا فرو کشیدند

پنداشتم آن زمان که عطری
باز از گل خواب ها تراوید
یا دست خیال من تنت را
از مرمر آب ها تراشید

پنداشتم آن زمان که رازیست
در زاری و های های دریا
شاید که مرا بخویش می خواند
در غربت خود، خدای دریا

روزی خواهم آمد و پیامی خواهم آورد
در رگ ها نور خواهم ریخت .
و صدادر خواهم داد: ای سبدهاتان پر خواب! سیب
آوردم . سیب سرخ خورشید .
خواهم آمد گل یاسی به گدا خواهم داد .
زن زیبایی جزای را گوشواری دیگر خواهم بخشید
کور را خواهم گفت : چه تماشا دارد باغ!
دوره گردی خواهم شد . کوجه هارا خواهم گشت .
جار خواهم زد ای شبنم . شبنم . شبنم .
رهگذری خواهد گفت: راستی راشب تاریکی است .
کهکشانی خواهم دادش .

روی پل دختر کی بی پاست . دب اکبر را بر
گردن او خواهم آویخت .
هر چه دشنام از لب ها خواهم بر چید .
هر چه دیوار از جا خواهم بر کند .
رهزنان را خواهم گفت: کاروانی آمد بارش لبخند!
ابر را پاره خواهم کرد .
من گره خواهم زد چشمان را با خورشید .
دل ها را با عشق . سایه ها را با آب . شاخه ها را با باد .
و به هم خواهم پیوست . خواب کودک را با زمزمه
زنجره ها .
باد بادبادک ها را به هوا خواهم برد .
گلدان ها را آب خواهم داد .
خواهم آمد سر هر دیواری . میخکی خواهم کاشت .
پای هر پنجره ای شعری خواهم خواند .
آشتی خواهم داد .
آشنا خواهم کرد
راه خواهم رفت
نور خواهم خورد
دوست خواهم داشت .

دریائی (فروغ فرخزاد)

یک روز بلند آفتابی
در آبی بی کران دریا
امواج ترا به من رساندند
امواج ترانه بار تنها

چشمان تو رنگ آب بودند
آندم که ترا در آب دیدم
در غربت آن جهان بی شکل

کسی نیست بیا در خود نگریم

- همیشه رفتن رسیدن نیست، اما برای رسیدن چاره ای جز رفتن نیست. در بن بست همیشه راه آسمان باز است، پرواز را باید آموخت!
- اگر می خواهی پس از مرگ فراموش نشوی یا چیزی بنویس که قابل خواندن باشه یا کاری کن که قابل نوشتن باشه! "بنیامین فرانکلین"
- بخشندگی را از گل بیاموز، زیرا حتی ته کفشی که لگدمالش می کند را هم خوش بو می کند
- همه می خواهند روی قله کوه زندگی کنند، اما تمام شادی ها وقتی رخ می دهند که در حال بالا رفتن از کوه هستیم..
- ثروتمند کسی نیست که بیشترین ها را دارد، بلکه کسی است که به کمترین ها نیاز دارد.
- تنها کسی که مرا در زندگی شاد می کند کسی است که به من می گوید: تو مرا شاد کردی
- مهم نیست که زندگی تا چه حد از شما جدی بودن را انتظار دارد، همه ما احتیاج به دوستی داریم که لحظه ای با وی به دور از جدی بودن باشیم
- چشم پوشی از حقایق، آنها را تغییر نمی دهد
- فقط چند ثانیه طول می کشد تا زخم های عمیقی در قلب کسانی که دوستشان داریم، ایجاد کنیم اما سال ها طول می کشد تا آن زخم ها را التیام بخشیم.
- چوب و سنگ استخوانهای ما را میشکنند اما کلمات قلب ما را

شادباش

جشن مهرگان، جشن مهر و دوستی، جشن آشتی و پیروزی، جشن شادی و زندگی، جشن همبستگی را به همه هم میهنان گرامی و همکیشان ارجمند شادباش گفته و شادی و سربلندی را برای همگان خواستاریم.

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

بازیهای ورزشی زرتشتیان

تابستان ۲۰۰۸ سن دیاگو - کالیفرنیا

از پرویز منوچهری



شور و شادی جوانان زرتشتی در شهر سن دیاگو کالیفرنیا گویی جام جانباختگان ایران را بیاد می آورد. دانشگاه سن دیاگو در روزهای دوم تا ششم جولای امسال میزبان شماری از ورزشکاران زرتشتی و تماشاچیان بیشماری بود. نزدیک به ۶۰۰ ورزشکار برای یازدهمین دوره مسابقات زرتشتیان نام نویسی کرده بودند و در طی ۳ روز به هم‌آورد یکدیگر رفتند. این بازیها ۲۰ سال پیش با هدف آشنایی و نزدیکی فرهنگی، ورزشی بین زرتشتیان کشورهای دنیا بنیان گذاشته شد. در این دوره مسابقات علاوه بر ۱۷ ایالت آمریکا تعداد زیادی بازیکن از کشورهای دیگر از جمله کانادا، انگلیس، استرالیا، آلمان، فرانسه و تاجیکستان شرکت داشتند که رکوردی برای این دوره مسابقات به شمار میرفت. سن بازیکنان مابین ۷ تا ۶۲ سال بود.

محل برگزاری این مسابقات این فرصت را فراهم کرده بود که دوستان و آشنایان زرتشتی در کنار یکدیگر تعطیلات آخر هفته خود را در هوای دلپذیر شهر ساحلی سن دیاگو سپری کنند. برنامه با بردن مشعل بازیها و برگزاری نیایش از سوی دکتر موبد بانکی گشایش و با برنامه رقص و آواز سنتی ایرانی (گروه رقص بشکن) ادامه یافت.

در این جام بازیکنان در رده سنی نوجوانان و بزرگسالان در رشته های بسکتبال، والیبال، پینگ پنگ، تنیس، دو میدانی و شنا که به شکل دو حذفی برگزار میشد شرکت کردند. اگرچه در اطلاع رسانی نتایج و زمان بازیها کاستی های به چشم میخورد اما از ویژگیهای این دوره مسابقات سازماندهی و برگزاری بهتر نسبت به دوره های پیشین بود. دفترچه اطلاعاتی و پیراهن ورزشی با نشانه این بازیها مابین شرکت کنندگان نیز پخش میشد.

کمیته ورزشی زرتشتیان یا ZSC به میزبانی داوخواهان (داوطلبان) حدود ۸۰ نفر از شهر سن دیاگو به برگزاری این دوره مسابقات همت گماشته بودند. بخشی از درآمد این بازیها برای خرید در مهر سن دیاگو کنار گذاشته شده است.

این مسابقات که با استقبال گرم و تشویق بازدیدکنندگان مواجه شده بود روحیه ورزشکاری، نیرو و راستی را که برگرفته از آیین های زرتشتی است رابه نمایش میگذاشت.

بزم شب ها نیز با استقبال بسیاری از همکیشان مواجه شد. بازی، رقص و شادی در کنار ساحل زیبای سن دیاگو با آتش بازی آخر شب یک شب فراموش نشدنی برای همگان بود. رقص و بزن بخون حتی پس از بازگشت به آسایشگاه تا پاسی از نیمه شب ادامه داشت.

بزم شب دوم که با موسیقی شاد دی جی در پاولیون دانشگاه برگزار شد با رقص و شادی و پایکوبی همراه بود. اگرچه پذیرایی شام عالی بود اما کیفیت خوراکی و امنیت درهای ورودی گلایه های را در بر داشت. خواننده محبوب شهرام آذر (سندی) با خواندن ترانه های محبوب خودش شادی بخش بزم شب باشکوه آخر بود. این برنامه که در هتل هایات شهر میشن بی برگزار شد با هنرمندی کیوان کمترین همراه بود. در انتهای برنامه سندی با هوادارانش عکس یادگاری می انداخت.

آیین پایانی که از ساعت ۳ پسین یکشنبه با سرودی دست جمعی از گاتها آغاز شد با دادن جایزه ها به برندگان بازیها پایان یافت. تهران قاسری که مجری این آیین بود با خوشمزگی و شوخی خود یاد خوشی را برای باشندگان فراهم نمود.

بامی پاتل سالار انجمن زرتشتیان در پیامی به این دوره بازیها خوش آمد گویی کرد و از همه شرکت کنندگان از نقش بنیادین بازیها در بالا بردن روحیه ورزشکاری و یگانگی یاد کرد.



فریدون دمهری از وب سایت اوشیهن همچون سالهای گذشته به پوشش تصویری این برنامه می پرداخت و آن را پیوسته به روز در می آورد. برای آگاهی بیشتر از نتایج بازیها میتوانید به پایگاه www.zathletics.com مراجعه نمایید. امید داریم دوره آتی که در شهر لس آنجلس کالیفرنیا برگزار میشود بازیکنان با آمادگی و روحیه بالا، قدرتمندتر حضور پیدا کنند.

هم آزریم



Pages 28

GOOD THOUGHTS



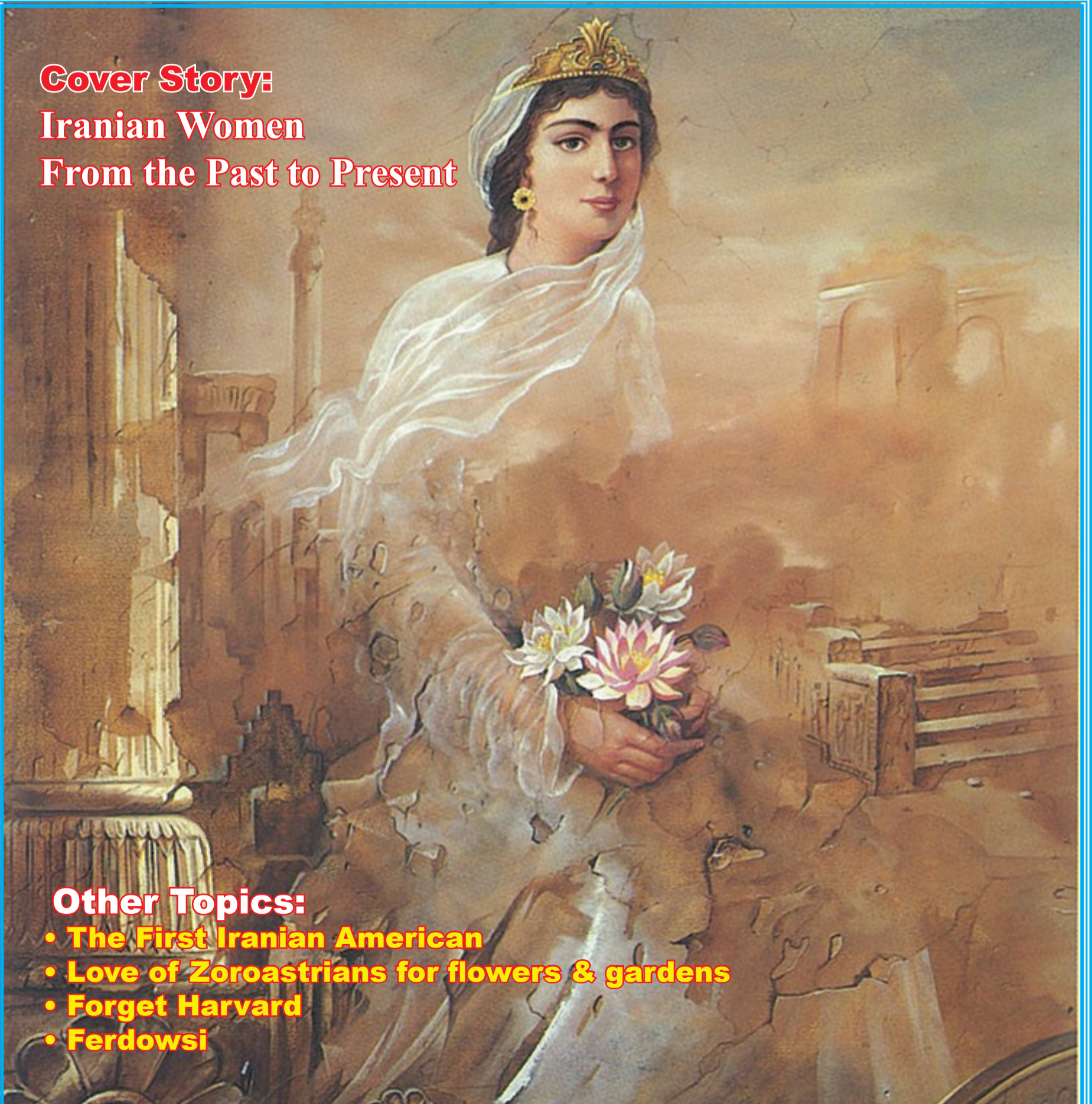
The **ZOROASTRIAN** Journal

Volume III, Issue 3

California Zoroastrian Center

Fall 2008/3746 Zoroastrian Calendar

Cover Story:
Iranian Women
From the Past to Present



Other Topics:

- **The First Iranian American**
- **Love of Zoroastrians for flowers & gardens**
- **Forget Harvard**
- **Ferdowsi**



The Zoroastrian Journal

Vol. III No.3
Publish: Quarterly
Fall 2008

Topics:

Religions, Culture, Social,
Science, History, News...

Senior Editors:

Bahram Deboo
Shahrooz Ash

Chief Editor:

Mehrdad Mondegari

Director and Publisher:

California Zoroastrian Center
A Non Profit Organization

Typesetting & Page layout:

Hassan Alizadeh

Printed By:

LA WEB PRESS

Authors/Writers

Armita Dalal,
Dr. Niaz Kasravi,
Mahzad Shahriari,
Bahram Deboo,
Shahrooz Ash,
Tehran Ghasri,
Roshan McArthur,
Aryan Parvareh,

Email: info@CZCJournal.org

Tel: 714- 893-4737

Fax: 714- 894-9577

WWW.CZCJOURNAL.ORG



CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER

8952 HAZARD AVENUE

WESTMINSTER, CA 92683

U.S.A.

(714) 893-4737 Fax (714) 894-9577

www.czc.org

Email: info@czc.org

**Ahura Mazda [Wise Lord] is the Zarathushtrian God.
Zarathushtrians believe in Good Thoughts, Good Words and Good Deeds.
Asho Zarathushtra Spitaman is our prophet and teacher.**

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of Asho Zarathushtra, the holiest of the holies. The Zarathushtrian religion is the oldest monotheistic religion in the world, dating back to the fourth millennium. According to Zarathushtra there is only one God. True Zoroastrians follow the path of Asha [Righteousness]. Our religion teaches us to respect these four elements; Water, Fire, Air and Earth. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one must accept that Humans are divine. In fact all beings with life are a divine creation of the creator. Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; in the Gathas it is stated that Ahura Mazda made us such. This is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

CNN is a register trademark of
Cable News Network.

'Zoroastrianism is the oldest of the revealed world religions, and it has probably had more influence on mankind, directly and indirectly, than any other single faith.' - Mary Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices* (London: Routledge and Kegan Paul, 1979, p. 1)

'Zoroaster was thus the first to teach the doctrines of an individual judgment, Heaven and Hell, the future resurrection of the body, the general Last Judgment, and life everlasting for the reunited soul and body. These doctrines were to become familiar articles of faith to much of mankind, through borrowing by Judaism, Christianity and Islam; yet it is in Zoroastrianism itself that they have their fullest logical coherence.' - Mary Boyce, *Op. Cit.* (p. 29)



COVER STORY

- Page 4** -Parisa Khosravi
-Iranian sets record for world's youngest professor

WORLD NEWS

- Page 5** - The first Iranian American
- Achaemenid-era city found in Balkh

KID'S CORNER

- Page 6** - Did you Know...

YOUTH CAFE

- Page 7** - Mehregan

LITERATURE

- Page 8** - Ferdowsi
- Love Song

GATHA'S SECTION

- Page 9** - Love of Zoroastrians for flowers and gardens

HUMANITY

- Page 10** - If God had a party
- Traffic stop

History & Culture

- Page 11** - Forget Harvard

PHILOSOPHY

- Good & Evil

GENERAL

- Page 12** - Polish President honors Iranian filmmaker
- Iranian civilization awes Kiwis

- Page 13** - Childhood 'toy' revealed as ancient Persian relic

- Page 14** - 11th Zartoshti games

Editor's Note

By Mehrdad Mondegari

For many centuries our homeland has been under attack by our enemies. The enemies of our mother land have had one intention in mind: destroying our culture. These unwise people have come from all directions; east, west, north and south.

The enemies of our culture and holy land still exist today, and they are still attempting to destroy everything which is Persian. These wrongful groups with their destructive behavior are determined to destroy our glorious past.

A short time ago I came across an issue of a famous Western publication. The United Arab Emirates had placed advertisements in over one-third of the publication. The advertisements were attempting to attract investors to invest in the U.A.E. The publication also included some interviews with the leaders of these nations. The leaders asked the Western nations to come and invest in their country.

The interesting thing was that in this publication they referred to the Persian Gulf as 'the Gulf'. Not long after, I came across a similar usage in the BBC News Middle East section. They used the words Arabian Gulf instead of the correct expression Persian Gulf. So I contacted the BBC editorial team and informed them of what had taken place. The next day I received a letter from BBC News stating that Arabs like to use the name Arabian Gulf, for the same reasons Iranians like to use the word Persian Gulf.

So, I wonder who is controlling whom? The British are not hard up for money; yet, it seems anything is for sale. The BBC and the publication will accept a false account of history if it means advertising revenue. Therefore they lack intellectual integrity and are willing to falsify historical facts for money. Instead of giving priority to what is right, they have given priority to what makes money even though the facts are wrong. Where is Sherlock Holmes when we need him?

These Arabian leaders are investing their oil money, lobbying to destroy anything that is Persian. Recently these people have tried to claim ownership of three Iranian islands in the Persian Gulf.

The name Persian Gulf is confirmed by the United Nations. It was named by Darius the Great (King of Persia) before Arabs even lived in the area. Iranians are very familiar with these types of attacks. And they have never sat idle against them.

We must know that the concept of freedom existed amongst Iranians before any other nation, and this is one of the reasons why Iran is eternal. Let it be known that the Persian will never surrender to wrongful people.



Special Thanks to our Sponsor

Dr. AVA KHOSRAVIANI

For her generous donation

Parisa Khosravi



Parisa Khosravi is senior vice president of international newsgathering for CNN Worldwide. Based in CNN's world headquarters in Atlanta, Khosravi reports to Tony Maddox, executive vice president and managing director of CNN International.

Appointed to this position in July 2007, Khosravi is responsible for CNN's entire international newsgathering operation that includes more than 60 correspondents, 30 bureaus and the Atlanta-based international assignment desk. She ensures that international newsgathering is integrated into the day-to-day news operations of CNN Worldwide with editorial, operation and administrative oversight.

Previously Khosravi served as vice president of international newsgathering, overseeing all staff



deployment for CNN's international correspondents as well as the execution of planned and breaking news events for all of CNN's news services.

In her 20 years with CNN, Khosravi has led CNN's coverage of the most significant international stories of the past two decades: the death of Pope John Paul II, the Asian Tsunami, both Gulf Wars, the fall of the Berlin Wall, the collapse of Communism in Eastern Europe, the genocide in Rwanda, the on-going humanitarian crisis in Darfur, earthquakes in Iran and Turkey, the Israeli and Palestinian conflict, Tiananmen Square, the war in the Balkans, the end of Apartheid, the Concorde air crash, and the international reaction to the September 11, 2001 attacks.

Khosravi's work has brought her recognition and many prestigious awards with her colleagues including: the Peabody Award in 2005 for CNN's coverage of Hurricane Katrina and its aftermath, the duPont Award in 2005 for coverage of the tsunami disaster in South Asia, the Peabody Award in 1992 for CNN's coverage of the attempted 1991 coup d'etat in the Soviet Union, the Golden Cable ACE Award in 1993 for CNN's coverage of the Gulf War, an Emmy Award and a Sigma Delta Chi Award in 1993 for CNN's 1992 Somalia coverage, a 1994 duPont Award for CNN's coverage of Bosnia, and the Overseas Press Club and duPont awards in 1995 for Crisis in Russia: CNN's Coverage of the Moscow Uprising, the Edward R. Murrow Award in 2001 for CNN's coverage of Sierra Leone, a CINE Award in 2003 for War in Iraq: Road to Baghdad, an Overseas Press Club Award in 2002 for CNN's post 9-11 coverage and again in 2004 for Anatomy of a Raid. Khosravi joined CNN as a video journalist in 1987. She earned a bachelor's degree in broadcast journalism from Columbia College in Chicago and studied French at the Université de Sorbonne in Paris. She is fluent in Farsi.

Iranian sets record for world's youngest professor



Alia Sabur, a 19-year-old Iranian American, has been declared the youngest professor in history by the Guinness Book of World Records. Alia broke the 1717 record set by a student of physicist Isaac Newton, Colin Maclaurin, who was 19 years and seven months old.

Born on 22 February, 1989, she has been setting records and making history throughout her young career; starting with reading at eight months. Her IQ was soon determined off the charts. She received a black belt in Tae Kwon Do at the age of nine.

She went from fourth grade to college, earning a BS in Applied Mathematics summa cum laude from Stony Brook University, New York, at age 14, the youngest female in American history. She then earned an MS and PhD in Materials Science and Engineering from Drexel University, Philadelphia. In 2007, she took a temporary position at Southern University, New Orleans, after Hurricane Katrina.

Alia is the youngest person ever to receive fellowships and awards from the US Department of Defence, NASA and the US National Science Foundation.

She was 18 when she was hired as a professor at the Department of Advanced Technology Fusion at Konkuk University in Seoul, Korea.

In February, the Guinness Book of World Records named her the World's Youngest Professor. 'It's really a great honor to be in the company of such great scientists,' Alia said.

Sources: MSNBC, Wikipedia

Women's rights in ancient Persia

Zoroastrian texts such as the Avesta clearly define the status of Persian women and reveal that, at a time when many women in the world were deprived of their basic rights, Persian women enjoyed social and legal freedom and were treated with great respect.

Avestan texts mention both genders, asking them to share responsibility and make decisions together. They are equally praised for their good deeds rather than their gender, wealth or power.

'Whoever, man or woman, does what Thou, O Ahura Mazda, knowest to be the best in Life.

Whoever does right for the sake of Right;



Whoever in authority governs with the aid of the Good Mind,

I shall bring all these to join in songs of Thy Praise,

Forth, shall I with them cross the Bridge of Judgement.'

In ancient Persia, women could take the throne, in cases when the king passed away and the crown prince was still a minor. One such woman was Pourandokt, the first Persian queen regnant in Ctesiphon. Ancient scriptures describe her as

a wise, just and good-natured woman who did her best to revive the Sassanian sovereignty.

Avestan texts address the issue of leadership and tell us that a ruler may be a woman as well as a man. 'May a good ruler, man or woman, reign in both the material and spiritual existences' (Yasna 41/2).

Zoroastrian texts advise parents to encourage their offspring to tread the path of knowledge, and explain that women have an equal responsibility in the dissemination of knowledge and science. 'Whatever a man or a woman knows that is good and right, not only should they practice, but inform others to perform accordingly' (Yasna 41/2).

According to Zoroastrian texts, female members of Persian society were allowed to participate in religious ceremonies and sometimes even head the event as the priest. Persian women were free to choose their spouse, and Zoroaster urged them to make their decision based on wisdom. 'May God grant you him who is steadfast in good mind and united with righteousness and with the Wise One. Therefore consult with your wisdom and decide in full tranquility' (Yasna 53/3).

Regarding young couples, Zarathustra advised them to remain faithful, to share their joy and sorrow, to adhere to the principles of good mind and love, and to try to surpass one another in truth and righteousness.

Reference has been made to the role of Persian women in society. According to Greek historian and biographer Plutarch, Persian women were active members of their society and good fighters. There were numerous female fighters among the ranks of the Sassanian army. They have been described as excellent and competent soldiers.

According to Pahlavi texts such as the Din-Kard, women could manage their property, represent their husbands at court, chair courtrooms, perform religious ceremonies and dress as they wished. Ancient documents found at Persepolis, Susa and other Mesopotamian cities show that both noble and common women enjoyed economic independence in Persia. They owned property, were involved in managing their assets, had employment opportunities and earned equal wages to men. Women were allowed to visit their estates and administer their assets individually or with the help of their husbands.

Ancient documents mention common women by the title bestowed upon them due to the nature of their work; the level of skill determined a female manager's title. The highest-ranking female workers managed female and male workers, and received the highest salary among their peers. Historical documents also show that male and female workers received equal pay and that there were an equal number of workers from both genders.



Source: Tamara Ebrahimpour, Press TV

The First Iranian American

Mirza Mohammad Ali, better known as Hajj Sayyah (meaning the traveler), was born in 1836 in the town of Mahallat in Iran. His studies exposed him at a young age to modern and democratic ideas that were at the time spreading throughout parts of the world. The stark difference he observed between the treatment suffered by most Iranians under their autocratic rulers and the ideas he studied inspired him to see the rest of the world.



At the age of 23, Hajj Sayyah embarked on a remarkable journey around the globe that would last for nearly 18 years. He began his travels by wandering throughout Central Asia and Europe for more than six years. Often he traveled alone and in poverty.

The motivation for Hajj Sayyah's travels was his thirst for knowledge and spiritual strength. He wanted to learn as much as he could about the world and how other people lived, in order to bring those ideas back to Iran. As a result of his observations

throughout his travels, he concluded that human beings are supposed to live in reasonably humane societies and enjoy basic human rights.

Hajj Sayyah came to the United States through New York. During his ten year stay in the U.S., he met with many prominent personalities such as President Ulysses Grant on more than one occasion. His travels across the United States eventually took him to San Francisco where he spent several months.

Upon returning to Iran in July 1877, Hajj Sayyah became politically active and was imprisoned for having instigated a clandestine letter-writing campaign to the monarch and clergy regarding the unbearable living conditions in Iran. After his release, fearing further persecution he sought the protection of the United States Legation in Tehran. This move puzzled many Iranians who didn't know why he felt the United States government would protect him.

Hajj Sayyah went on to play a major role in the Constitutional Revolution of 1906 in Iran, and remained active until his death in 1925 at the age of 89.

In the course of studying Hajj Sayyah's life, Dr Ali Ferdowsi recently discovered through State Department documents that Hajj Sayyah had become an American citizen on May 26, 1875, making him the first Iranian to become a U.S. citizen. This was a closely-held secret that Hajj Sayyah had shared with only a few people.

Well over a century later, considering ourselves as first or second-generation Iranian Americans, we are reminded by Hajj Sayyah's story that the history of Iranian Americans is indeed much longer.

Source: Public Affairs Alliance of Iranian Americans (PAAIA)

This article was made possible by the research efforts of Dr Ali Ferdowsi, the Chair of the Department of History and Political Science at Notre Dame de Namur University, to whom we are grateful.

Archeologists discover a Parthian girl with her treasure

During a recent archeological salvage operation at Nakhle Ebrahimi village, a Parthian site near the Strait of Hormuz in the Persian Gulf, Iranian archaeologists discovered a crypt containing burial gifts and the body of an eight-year-old girl.

The crypt and its contents are estimated to date back 2,200 years. According to Abbas Norouzi, an archeologist working with the ICHTO, the Parthian girl was buried in the crypt, placed in an embryonic position and with her were 18 gifts, including cut pendants and decorative beads, all made of agate, as well as small pottery vessels and a number of jars. In February, the team discovered a large fortress dating back to the Arsacid dynasty (248 BCE -224 CE). The excavations have been carried out to salvage possible ancient sites before building developments totally engulf the region. The original Parthian name of the coastal village is unknown.

(Source: CHN and CAIS)

Britain's Wadham College will erect Ferdowsi's statue

A statue of the Persian poet Ferdowsi will be erected at Wadham College Library at Oxford University in the near future, announced Sir Neil Chalmers, the college warden.

The college also discussed holding art and cultural workshops and poetry nights at Oxford University, in an effort to enrich courses on Persian language and literature. Sir Neil also expressed his pleasure over boosting art and cultural relationships with Iranian universities.

Possible existence of a Sassanian fire temple in Sarab-e Mort



Archeologists working at the Sarab-Mort site in Kermanshah province have unearthed a possible Sassanian fire temple, adjacent to a Parthian manor house, according to a recent report by the Iranian Students' News Agency (ISNA).

'During this year's [archeological salvage] excavation, we have unearthed the religious section of the structure. It consists of a Chahar-Taqi (free-standing Zoroastrian fire temple), which

in fact was a private chapel,' said Yousef Moradi, director of the archeological salvage operation team at Sarab-e Mort. The Parthian manor house consists of various sections: official, administrative, ceremonial and religious.

Moradi stated: 'We started our excavation in the Parthian manor house last year. Last season we discovered the official, administrative and ceremonial quarters, and this year the religious section. However, the residential quarter has been totally destroyed, and there is no hope of finding the private chamber belonging to the lord of the manor.'

The private and residential sectors of the manor house were destroyed partly in 1980s, during the Iran-Iraq war, and the remaining part was demolished in recent decades as the result of dam construction activities.

According to Moradi, the manor house was built during the Parthian dynastic era (248 BCE - 224 CE) and was in use during the succeeding dynasty, the Sassanians (224-651 CE). Apparently the religious section was an annex. Further excavations at a lower level will shed more light on its origin.

Iranian archeologists began their second and final season of archeological salvage operation at the Sarab-Mort archeological site in February 2008, ahead of the site being submerged once the newly built Dam becomes operational.

Discovery of plaster in the ceremonial hall indicates that the walls of this building were most probably covered with stucco decorations which have been destroyed over time. This manor house covered an area about 5,000 square meters.

Sarab-Mort is situated near a stream known under the same name, and located 3 kilometers east of Gilangharb. The site consists of three archeological mounds (Tappah).

Source: CAIS

Achaemenid-era city found in Balkh

Archeologists have excavated remnants of a 2,500-year-old city in the Sholgareh district of northern Balkh province, Afghanistan.



Saleh Mohammad Khaliq, the chairman of the regional information and cultural organization, said that the monument dates back to the Achaemenid era, according to the state Bakhtar News Agency.

Khaliq said, 'A group of Afghan researchers, co-sponsored by French archeologists, have unearthed the historical city and the oldest fire temple in the region, which belongs to Zoroastrians.'

The city, with a military fortress in the south, was encircled by a long wall. 'The superior part of the wall is made of mud bricks, each having a 40-centimeter length and 10-centimeter diameter, resting on stone in the inferior part,' the official added.

The fortress was protected by tall cylinder-like towers and a stone fire temple, standing in the middle of the town.

The legendary Zoroastrian Achaemenid Empire dominated most of the ancient world during 559-330 BC. Some historians believe that the Zoroastrian dynasty was responsible for creating the world's first empire.

Source: Press TV

Did you know...



The Good Religion of Zarathushtra, is, historically, the first and foremost monotheistic (belief that there is only one God) religion in the world?



A follower of the Good Religion is a Zarathushtrian, Zarathushti, Zartoshti, Jarthosti, Zoroastrian, Mazdayasni, or Behdin?



Zarathushtra was born 3700 years ago?



Zarathushtra's family raised cattle and horses?



Zarathushtra's family belonged to an Indo-European people who called themselves *Aryan*, meaning "noble"?



Before teachings of Zarathushtra, the Aryans were polytheists (to worship more than one God) and believed in superstitions and magic?



At that time the Aryans were being exploited (take advantage of) by the greedy princes and priests?



The greedy priests put on a good show of bloody sacrifices, instant intoxicants (something that causes physical or psychological intoxication), and loud chants to please the gods and repel (keep away) magic, and exploit (take advantage of) the simple people?



Zarathushtra looked at the Aryan cult (religious group) with doubt at age seven?



His doubts increased when the priests could not satisfy him with their dubious (unsure, hesitant) answers?

Follow the "Did you know..." Series in the next edition of the Zoroastrian Journal.

The above information was obtained from *An Outline of the Good Religion of Zarathushtra* by Dr. Ali Akbar Jafarey.

1st read the "Did you know... article and then find the following words in the puzzle above:

Polytheists

Behdin

Zartosht

Aryan

Religion

Monotheistic

Noble

Priests

Magic

God

To receive a prize, send your solved puzzle to:

AD

2600 W. Olive Ave

7th floor

Burbank, CA 91505

Don't forget to include your name, age and address.

SEARCH WORD PUZZLE

X	Z	R	N	O	Q	E	T	U	P	W	A	M
A	D	P	C	W	S	D	H	K	N	C	R	L
B	G	O	D	L	X	E	S	G	O	M	K	C
O	S	L	B	R	C	G	O	S	B	E	R	I
A	L	Y	E	H	K	A	T	Q	L	A	X	T
D	O	T	H	E	V	P	R	I	E	S	T	S
S	L	H	D	S	C	Z	A	R	K	O	L	I
W	R	E	I	W	Q	X	Z	L	H	D	O	E
R	O	I	N	R	E	M	A	G	I	C	N	H
K	L	S	K	X	F	K	O	H	A	V	O	T
C	H	T	A	J	S	C	X	S	W	D	I	O
L	Q	S	H	R	T	E	P	A	C	J	G	N
R	K	E	F	L	Z	O	S	V	F	W	I	O
E	J	A	K	P	A	R	Y	A	N	R	L	M
W	S	V	Q	R	H	D	P	Z	T	O	E	F
K	W	D	E	S	D	X	S	O	K	F	R	Q

Righteousness exalteth the High Priest and maketh him as powerful as a king.

Blessed are those who work not for themselves but for Ahura-Mazda for they shall attain divinity.

To give to the poor is to acknowledge the sovereignty (power) of Ahura-Mazda.

Yatha Ahu Vairyo Prayer



In righteousness lies real happiness, for it is God's finest gift; happiness is his who is righteous for true righteousness sake.

Ashem Vohu Prayer.



Awash in emotion

By Arsalan Mohammad



As a child, Nargess Hashemi played with her mother, sister and aunts in the confines of the women's quarter of the family home in Tehran. Today, while gender politics remain at the forefront of many contemporary Persian artists' agendas, Hashemi, 29, takes a rather more tolerant and thoughtful approach. 'Well, yes, we were segregated, but I did enjoy it. As an artist, I created my own life within all that segregation

and limitation – in a way, unlimiting my limitations, if you know what I mean.' That hidden world in which the small girl sought freedom through her imagination is evoked this month in her first solo show, the provocatively titled 'Stories from the Boudoir'. In a series of paintings on display at the B21 Gallery in Dubai, Hashemi celebrates the sequestered lives of traditional Iranian women that veer from moods of gentle nostalgia to outright emotional pain and anguish. For Hashemi, who has achieved an astonishing level of emotional fluency and mastery of technique since graduating in fine art from the Azad University in Tehran five years ago, it would appear that her time in the spotlight has finally arrived.

In the acrylic paintings that make up 'Stories from the Boudoir', Hashemi recalls her Tehran childhood of the mid-1980s with nostalgia. Through intricate impressionist brushstrokes that arrange motifs into complex layers, she presents the atmosphere of her childhood in a strict Zoroastrian family as being a happy one: safe, protected and a period that she would choose to revisit later in life when in need of spiritual comfort and mental calm. Speaking from Tehran through an interpreter, she explains how her childhood environment fundamentally affected her.

'I remember the female members of the family would always gather together, all gossiping and chit-chatting in a room, while the men would be in another room. It was quite a segregated lifestyle, you could say. My childhood was mainly with that sort of lifestyle. All the limitations that we had, these paintings really express that separate life that the women have from the male members of the family.'

'This segregation which was imposed on us was mainly imposed by the men, but it was meant to support and defend us. I felt security. It was pleasant and a positive side to life. There were lots of people who are involved in this lifestyle, who don't see it as being negative at all. The men weren't aggressive in making it this way, it was just all meaning to shield the female members of the family from the negative things happening throughout the community, outside the house.'

'Stories from the Boudoir' is showing at B21 Gallery until October 9, 2008; www.b21gallery.com.

Source: extracted from a longer article in The National

Picture caption: Nargess Hashemi's Khotoote Sabze Takhayol (The Green Lines of the Imagination)

Mallika Sarabhai plans to direct film

Well-known dancer Mallika Sarabhai plans to direct a film which will give an insight into the life of women in the orthodox Syrian Christian family in Kerala. 'The film is about the many roles played by women in the Syrian Christian family,' Sarabhai told reporters. It will be co-directed by Yadavan Chandran, son of well-known film director T.V. Chandran and coordinator of visual communications at the Darpana Academy of Performing Arts, which is run by Sarabhai along with her mother Mrinalini.

Sarabhai recently toured India in an original dance theater performance called 'And Then They Came to India', celebrating a historic journey and a new beginning for the Parsi community. Of the different people who have migrated to India over the centuries, one group that stands out for its industriousness and maintenance of its ethnic difference is the Parsis. From before the birth of Zarathushtra, the dance theater traces the early Persians and their myths, the birth of Zoroastrianism, the rise of Islam that led to their persecution, and their final flight to India.

Sarabhai is also keen to set up an international university for art study and application, with government or corporate assistance.

Considered the queen of classical dance, Mallika has floored audiences with her performance as Draupadi and is also the recipient of the highest civilian award instituted by the French government: the Legion of Art and Letters.

Source: The Hindu News

The beginnings and traditions of *Mehregan*

There are many accounts as to the beginning of Mehregan. A few different versions are listed below:

- Mehregan is a day of victory when angels helped Fereydoon and Kaveh become victorious over Zahak. They imprisoned him in the Damavand Mountain where he died from his wounds.
- Mehregan is the day God gave light to the world, which had previously been dark.
- On this day Mashya and Mashyaneh (a concept of Semitic Adam and Eve) were created.
- On this day the sun was created.

Among all Iranian festivities, the two most important feasts were considered to be Nowruz and Mehregan.

During the time when the Avestan calendar was used, the year began in the cold season. The Christian year, also starting in the cold season, follows the same concept as the Avestan calendar.

Some scholars believe that the month of Mehr was the beginning month of the calendar year during the Achaemenian era.

In some form or another, the feast day of Mehregan has been honored for many hundreds of years in Iran. Mehr is also the time of harvest.

Mehr in Avestan is Mithra. In the modern Iranian language, it has become Mehr. Although it can be slightly confusing, it should be remembered the word Mehr has been used for a God, an angel, a symbol of the sun, as well as the seventh month of the Iranian calendar.

When the Indo-Europeans lived together, Mithra was considered one of the great Gods of that time. During the Achaemenian period, the name of the God Mithra was mentioned many times on the stone carvings. The Achaemenian army always came behind a flag depicting Mehr as the sun shining. Mehregan was celebrated in an extravagant style at Persepolis.

The ancient Iranians thought Mehr was responsible for love and friendship, contracts and covenants, and a representation for light. Later, Mehr was also considered as a symbol of the sun. There again, Mehr was considered to be a God of heroism and warfare. Iranian soldiers were strong believers and had songs for Mehr. With the expansion of the Achaemenian Empire, the worship of Mehr was taken to other countries.

By the first century AD, Mitraism was a familiar religion in Rome and gradually spread throughout Western Europe, as far as the shores of the Black Sea and the North Sea. Archeological excavations throughout Europe and Iran's neighboring countries have uncovered the buried remains of many Mehr temples. Many very old churches of Europe were built in the style of these temples.

Quite a number of Roman Emperors converted to Mitraism. One emperor, Julianus, became a devoted follower of Mitra, and decided to go to Iran to visit the country of his God. On route he was murdered. As he lay dying, he threw his blood towards the sun and said, 'This is my gift to you.'

There are still many rituals, traditions, beliefs and prayers of Mitra that have survived the popularity of Christianity. Some of these can be found in the Christian religion, such as the holy day, Sunday. This is a day that was named after the sun, ie Mehr. Some other Christmas traditions are described in the section on the celebration of Yalda.

Long ago, Mehregan was celebrated with the same magnificence and pageantry as Nowruz. It was customary for people to give their king, and each other, gifts. It was common for people to give presents that they personally liked themselves! Rich people usually gave gold and silver coins, heroes and warriors gave horses, while others gave gifts according to their ability, even an apple. Those fortunate enough would help the poor with gifts.

During the Mehregan celebrations, the king wore a fur robe and gave away all his summer clothes.

Many times, even today, when a child is born on Mehregan, the parents will name the child with a name starting with Mehr such as MehrDokht or MehrDad or MehrBanu.

After the Mongul invasion, the feast celebration of Mehregan lost its popularity, but Zoroastrians of Yazd and Kerman continued to celebrate Mehregan in an extravagant way.

Celebrating Mehregan

For this celebration, the participants wear new clothes and set a decorative, colorful table. The sides of the tablecloth are decorated with dry wild marjoram. The holy book Avesta, a mirror and Sormeh Dan (an antimony cellar) are placed on the table, together with rose water, sweets, flowers, vegetables and fruits, especially pomegranates and apples. A few silver coins and senjed seeds (fruit of the lotus tree) are placed in a dish of pleasant-smelling wild marjoram water. Almonds and pistachios are also used.

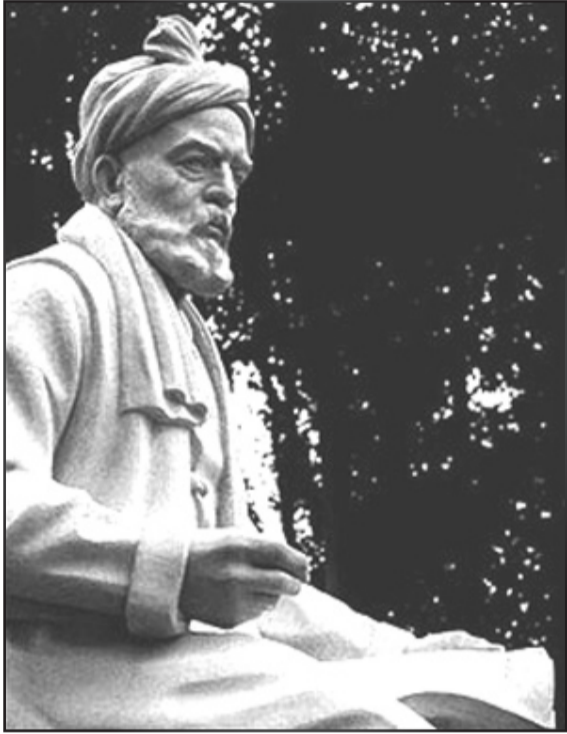
At lunch time when the ceremony begins, everyone in the family stands in front of the mirror to pray. Sherbet is drunk, and then as a good omen, antimony is rubbed around their eyes. Handfuls of wild marjoram, senjed seeds and noghl (sugar plum) are thrown over each other's heads while they embrace one another.

Source: Nowruz and other festivities in Iran, by Farshid Eghbal and Sandra Mooney

*I am deathless, I am the eternal Lord,
For I have spread the seed of the Word*

(Ferdowsi)

By Soudabeh Sadigh



In creating the epic masterpiece of the Shahnameh in 30 years, Ferdowsi made his name eternal in the literature of Iran and the whole world.

He devoted more than 30 years of his life to composing the masterpiece of the Shahnameh, which is the most popular and influential of the Iranian national epics. The Shahnameh or the 'Epic of Kings' or 'Book of Kings', consists of the translation of an even older Pahlavi (Middle Persian) work. It is still one of the most popular books among Persians, even after more than one thousand years. In the Shahnameh the pre-Islamic history of old Persia before the Arab conquest of the region is described through classic tales. They start 7,000 years ago with the story of old Persian Kings, and continue through the mystical and historical past of Iran up until the Arab invasion in the seventh century.

An important fact about this book is that during the period that Arabic language was allowed, Ferdowsi used only Persian. This ample work, regarded by Persian speakers as a literary masterpiece, also reflects Iran's history, its cultural values, its ancient religion (Zoroastrianism), and its profound sense of nationhood. As Ferdowsi himself say, 'Persian language is revived by this work.' Ferdowsi completed the Shahnameh at the time when Iran's national independence had been compromised. While there are memorable heroes and heroines of the classical type in this work, the real, ongoing hero is Iran itself.

The Shahnameh is a very popular book, not only among Iranians but also among all Persian speakers in Afghanistan, Tajikistan, parts of Central Asia, Pakistan, India and even some parts of China. It is also important to the remaining Zoroastrians in the world, because it traces the beginning of Zoroastrianism to the defeat of the last Sassanian Zoroastrian king by the invasion of Arabs. Its reputation even goes far beyond the above-mentioned countries, and its popularity is not just limited to Persian speakers. It has been translated into different languages, so far including Russian and English. According to The Washington Post, the new translation of the Shahnameh by Dick Davis has been greatly welcomed by the readers of fiction stories in the United States. Dick Davis is the greatest modern translator of Persian poetry, who has turned the finest stories of Ferdowsi's original into an elegant combination of prose and verse for the first time in English, in the most complete form, which gives readers the chance to enjoy it in the same way that Iranian storytellers have conveyed it in Persian for the past thousand years. Considering that the Shahnameh's sweet stories are not just appropriate for adults, some pieces of its stories have also been translated into simple language for children.

In creating the masterpiece of the Shahnameh, Ferdowsi is not dead. Instead he is alive in the hearts of all Persian lovers, who every year pay tribute to this great poem on commemorative day, May 15.

May I be allowed

By Fereydon Moshiri

May I be allowed,
To behold the hue of that fresh blossom
As I stand at the base of this wall?

And, through this bloody, thorny fence,
This barbed wire,
May I drink a sip of spring water?

May I be allowed? Outside, in front of the door?
And to regain my strength,
Rest by this tree, may I?

Or, must I pass through this road,
A stranger, now and always,
Swallow centuries of YOU MAY NOT,
Like a dagger piercing my patient throat?

In the shadowland of this vast cerulean tent,
It would have been fair,
If trees, land, water or sunshine,
Did not belong to anyone!
Or, better yet,
Belonged to all.

A world of friends, all familiar,
One big house, this globe, and its dwellers,
One family,
Bond by fibers of their souls!

Together, for one another,
With helpful hands,
Keeping pace.

In that fair world,
Green meadows have the horizon for border!
Flower gardens have walls of breeze!
With each blooming sprout,
The surging of light,
The rapture of love.
In every song,
The warmth of a caress,
The tune of compassion.
Gardeners? Smiles shine like lanterns,
Farmers? Chants soar to heavens!
We toil together.
Hearts, abundant with joy of living,
Faces, fresh as gardens of miniature roses,
Eyes, teeming with love!
We sow love like seeds in soil.
We compose poetry like buds on trees!
We, and everyone alike,
Full of music,
Free of bonds,
Emancipated,
Fortunate...

Love Song

By Forough Farokhzad

The night is painted by your dream
Your perfume fills my lungs to extreme
You are a feast for my eyes!
All shapes of woe you believe
As the body of earth is washed by rain
From my soul you cleanse all stain!
In my burning body you are a turning gyre
In the shade of my eyelashes you are a blazing fire.
To the suns you open the gate
To counteract dark doubt's spate
With you there is nothing to fear
But the pain of joyful tear
This sad heart of mine and profuse light?
This din of life in the abyss of blight?
The glance in your eyes is my field
And with it my eyes are sealed
Before this I had no other image
Or I would not but you envisage
The pain of love is a dark pain
Going and demeaning oneself in vain
Learning against people with black sight
Defiling oneself with the filth of spite
Finding in caresses venom of wile
Finding villainy in friend's smile
Like a star on wings decked with gold
You come from a land untold.
Within a world which on darkness does feed
With every step you take I proceed
Underneath my skin you go!
There like blood you flow
You are a shining sun that never dies
A sun that rises in Southern skies
You are fresher than first light
Fresher than spring, a luster sight
This is no longer me, this is no longer me
My life with my ego amounted to a null degree
In me your stir a great rhapsody
Your curves are an attire on my body
O how I crave to sprout
And my joy with sorrow shout
O how I wish to rise
And my eyes with tears baptize
This forlorn heart of mine and incense perfume?
The music of harp and lyre in a prayer room?
This void and these flights?
These songs and these silent nights?
Your glance is a wondrous lullaby
Cradling restless babes thereby
Your breath is a transcendental breeze
Washing off me tremors of unease
Finding in my morrows a place to sleep
Permeating my world deep and deep
In me the passion for poetry you inspire
Over my lays you cast instant fire
You kindled my passionate desire
Thus setting my poems afire.



Ramin Ostowari/REALTOR®

CA DRE #01322564

Commercial & Residential Investment Services
Specializing in Multifamily Apartments, Industrial,
Office And Retail

27742 Vista del Lago, Suite #1
Mission Viejo, CA 92692

Phone: 949.230.7231

Fax: 866.773.1262

ROstowari@ColdwellBanker.com

"When you want results and not just promises"

Love of Zoroastrians for flowers and gardens

By Behram Deboo

It is believed that the origin of Persian gardens dates back as far as 4000 BCE. There have been many books written on this subject. I do not claim to be an expert on it, but I would like to share some important points instead of going into too many details.

Cyrus built the capital city called Pârthâgâda, which later on was known as Pârshâgad or Parsagadae in Greek, in the province of Pars. It meant 'the garden of Pars'. It covered a huge area with palaces, gardens and a temple. Cyrus died in battle in 530 or 529 BCE, and it remained unfinished. When Daryushe Bozorg came to power, he built another capital city known as Persepolis.

Gardening was considered a virtuous deed by the Persians, who believed in enhancing the beauty of nature by blending the art of planting. Cyrus the Great planted trees and worked in the garden. Persian gardeners, including royal families, nobles and others, used precise geometric design to plant trees, flowers, fruits and other plants.

Xenophon, who was a Greek mercenary employed in the Persian army, talks about the Persian orchards and was amazed to see the Persian king planting and maintaining his own trees in his own gardens. This shows that the Persians believed in the dignity of labor. The important fact is the gardens were not planted haphazardly but in a geometric design for symmetry and to increase the esthetic value of the gardens. This leads us to believe that Persian Zoroastrians had a good knowledge of geometry and geometrical patterns. The intricate flower designs on Persian carpets indicate the influence of the arrangement of flowers and other vital elements in Persian gardens.

Persian Zoroastrian gardens were so beautiful that the word paradise in English comes from the Avestan noun pairidaeza which meant 'surrounded gardens or parks'. In fact, the idea of paradise, it is believed by some scholars, was introduced in the Christian mythology of the Garden of Eden – paradise on earth. The Greek word for pairidaeza is paradeisoi, the Latin word, paradisis, and the German word, paradies.

Sassanians, under the influence of Zoroastrianism, began to build gardens with ponds and fountains. Persians used an irrigation system (qanat) to water their gardens and cool their houses. Thus, Zoroastrians contributed a great deal to the art of gardening, created beauty and harmony in nature, and established big parks like the national parks in this country. Animals were introduced in big parks and were used for hunting by the royal families. The Mongol king Babur carried the idea of Persian gardens to India and built a beautiful garden in Agra. Unfortunately, it is now unkempt. When Shah Jehan built the Taj Mahal, he also designed a Persian-style garden in the front of the building. Islamic gardens that came after are the by-products of the Zoroastrian heritage of gardening.

Zoroastrians had such a great love for flowers that they assigned a different flower for each day of the Zoroastrian month. The following list I have obtained from the book, The Religious Ceremonies of the Parsis, by the late Ervard Shams-Ul-Ulma Dr. Sir Jivanji Mody.

The following table is the language of flowers for the days of the month created by Persians:

Pahlavi name	Pahlavi name	Probable equivalent names in English
1. Ahura Mazda	Murd Yasmin	Jasmine with leaves like myrtle
2. Bahman	Saman-i-safid	Trefoil
3. Ardibehesht	Merezan gosh	Sweet marjorum
4. Shehrivar	Shah-sparem	Basil-royal
5. Spendâmard	Faranj mashk	A sweet basil. Musk of Firangis
6. Khordad	Susan	Lily
7. Amerdâd	Chambê	Fragrant jasmine?
8. Daepa-Adar	Vadrüz bui (Vadrang)	Orange flower
9. Adar or Azar	Azergun	The anemone of Marigold
10. Aban or Avan	Nilo-par (Nilufar)	Water-lily
11. Khorshed (khur)	Marv-i-sped	Cat-thyme (French, Le Marum)
12. Mohor (Mah)	Ruges	Rush or Leek
13. Tir	Vanoash	Flower of the Wan tree
14. Gosh or Gush	Meren	Vine-flower (French, Fleur de vigne)
15. Daepa-meher	Kârad	A flower of the species Plandanus odoratissimus
16. Meher	Vanush	Violet
17. Sroash	Kheri sorkh	Pepper grass
18. Rashna	Nistarun	Narcissus
19. Farvardin	Aoruz	Cock's comb
20. Behram	Sisenbar	Water mint
21. Ram	Kheri zerd	Yellow Pepper grass
22. Guad or Govad	Vadrang-bui	Mountain balm
23. Daepa-din	Shambalit	Fenugreek
24. Din	Gul-i-sad varg	Rosa centi-fovia
25. Ashishvagh or Ard	Hamâk hamâk Vahâr (bahar)	Bupthalmus
26. Astad	Hamâk Hom-i-safid	White Hoama
27. Asman	Nanâ nânu sparam	Bread-vegetable
28. Jamyad	Kalkam	Saffron, Croccus
29. Marespand	Artashirân	A bitter plant
30. Anerân	Haoma datô ai Hom	Haoma (Sanskrit, Soma)

Parsi priests even today use 24 flowers when they perform Jashan or Afringan ceremonies for different occasions. Eight flowers are used for each Afringan, symbolizing two existences, physical and spiritual. Three flowers represent the coming of the soul from the spiritual world to the physical one with good thoughts, good words and good deeds, and the other three signify the journey of the soul from the physical world to the spiritual one, with the merits of good thoughts, good words and good deeds.

Thus, flowers are an important part of Zoroastrianism.

A short prayer of five virtues in the spirit of Gathas

By Behram Deboo

This prayer reminds us and tells us what a person should be in this world, if they want to spread goodness, happiness and joy to themselves and others, thus making it a joyous place to live. That was the goal of Zarathushtra. Ahmi means I am. It applies to any gender of any age. Thus, this prayer is of the universal nature.

1. Panchanâm ahmi, panchanâm noit ahmi.
2. Humatahê ahmi, dushmatahê noit ahmi,
3. Hukhtahê ahmi, duzukhtahê noit ahmi.
4. Hvarshtahê ahmi, duzvarshtahê noit ahmi.
5. Sraoshahê ahmi, asrushtoish noit ahmi.
6. Ashâono ahmi, dravato noit ahmi.
7. Atchit ahmat yathâ apemēm manivao anghat nivaitish.

1. Of five I am, of five I am not.
2. Of good thoughts I am, of evil thoughts I am not.
3. Of good words I am, of evil words I am not.
4. Of good deeds I am, of evil deeds I am not.
5. Of compliance to the listening of the inner voice I am, of non-compliance to the listening of the inner voice I am not.
6. Righteous I am, wicked I am not.
7. Consequently this struggle of two mentalities or spirits (good and evil) in this manner will be existent up to the end (ie until the final renovation of the world takes place---Freshokereti and righteousness will overcome unrighteousness). (Ys. 10-16)

The above prayer summarizes the total wisdom of the Zoroastrian religion in a simple and lucid manner that can be understood by any person of any age.

Become an expert in
Zoroastrian Religion

Earn your doctorate degree
in Zoroastrian Studies

Spenta University

www.spenta.edu



Spenta University

If God had a party

By Ariyan Parvaresh

'If God invited you to a party and said, "Everyone in the ballroom tonight, you will be my special guest," how would you then treat them when you arrived?'

When I read this verse from Hafez's poem, I was puzzled, confused, and awe struck. First of all, I had never imagined God having a party, let alone inviting guests. But as I began to imagine such a scenario, I viewed the world as the 'ballroom' and God as 'the host'. I asked myself how would I treat a certain person if I knew that he/she would be 'God's special guest'?

Perhaps Hafez's verse had a different connotation during his lifetime. Yet, relating it to the present day, this verse can be connected to a perplexing issue that the world constantly struggles with: religious tolerance.

It's a touchy subject that consists of many complex issues and different groups, but most importantly, it has been a problem that has existed for centuries. Many international conflicts have been based on issues of religion and continue to be unknown or unacknowledged in parts of the world. The Holocaust, the Armenian genocide, the Arab-Israeli conflict, Sunni-Shiite disputes and Catholic-Protestant conflict are only a few instances of intolerance. However, we often witness religious intolerance in our own daily lives, even if we live in the United States, Canada, or other countries that are considered to be 'religiously tolerant'.

As people living ordinary lives, we often overlook the real issue – that religious tolerance is important on every level, first starting with the individual and the small community, and ultimately on a larger, international scale. There is a direct connection between religious intolerance on a personal level and on the world stage. Yet, no matter how minuscule, one does ultimately lead to the other.

As the world is quickly advancing and becoming globally connected, it is even more crucial that humanity becomes more educated, patient and understanding of one another. As new generations arrive, it is important that they become educated about instances of religious intolerance internationally or even in their own communities.

Yet, they should also understand that continuing to carry hatred or prejudice no longer makes them only the victims. It also makes them the ones doing the harm. The beauty of Hafez's poetry is his vision of an all-embracing 'Beloved' who sees beyond our religious beliefs. Hafez continues to pour the light of his poetry and allows us to apply it to modern times. Would Hitler have treated the Jews in the same way if he had known that they held a special place with God? Would Arabs and Israelis continue their fighting if each knew that the other was special to God?

Religious tolerance should become an actual goal for all communities, no matter how big or how small. If every person would take a moment and answer the question Hafez asks, maybe they would re-evaluate the level of their own personal tolerance. One thing is clear: if everyone was God's special guest, we would treat each other better, and others would treat us better.

So imagine everyone is indeed 'God's special guest' and that we spend this lifetime in His 'ballroom'. By doing so, humanity can only enhance its quality of life.

Quotes to remember

Tolerance... is the lowest form of human cooperation. It is the drab, uncomfortable, halfway house between hate and charity.

-Robert I. Gannon

Religious tolerance is not religious indifference. Tolerance means to value the right of another person to hold beliefs that you know are absolutely wrong.

Anonymous

Traffic stop

By Tehran

Most people think that slavery ended with Abraham Lincoln in 1865. Well, like everything else, slavery did not die. It merely evolved. Human trafficking is the recruitment, transportation, harboring, or receiving of people for the purposes of slavery, forced labor, and servitude.

The BCC reports 'People trafficking has reached epidemic proportions over the past decade, with a global annual market of about \$50 billion.' Trafficking victims typically are forced into slavery using coercion, deception, fraud, and sometimes outright abduction. Threats, violence, and economic leverage such as debt bondage can often make a victim seemingly consent to exploitation.

Women are at particularly high risk for human trafficking, for purposes of sweat shops and prostitution. Criminals exploit a lack of economic opportunities, a promise of good jobs, or opportunities for education, and then force the victims to become prostitutes. Through 'agents' and brokers who arrange the travel and 'job' placements, the poor women are escorted to their destinations and delivered to the employers.

When they reach their destinations, most of these women learn that they have been deceived about the nature of the work they will do. Most have been lied to about the financial arrangements and conditions of their employment, and they find themselves in coercive or abusive situations from which escape is both difficult and dangerous. Most of these women are young girls under the age of 18.

Hundreds of thousands of children from Asia, Africa, and South America are human trafficked and sold into the global sex trade every year. Often they are kidnapped or orphaned, and sometimes they are actually sold by their own families.

Human trafficking, while denied, is even practiced in Iran, Afghanistan, Pakistan, and India. Young girls in poverty are kidnapped and sometimes even sold by their own families and moved to Dubai and other Arab countries.

However the Third World is not the only offender. As depicted in the Academy Award-winning movie Crash, the United States is also a participant. According to the State Department, an estimated 60,000 to 100,000 men, women and children get trafficked across the United States border each year. Approximately 70 percent are women and girls, and up to 50 percent are minors.

The data also shows that the majority of slavery victims are trafficked into commercial sexual exploitation. However, they do go on to say that 'the alarming enslavement of people for purposes of labor exploitation, often in their own countries, is a form of human trafficking that can be hard to track from afar'. For example in the small state of Massachusetts alone, there were 550 documented cases of human trafficking in 2007.

Russia and China are the biggest exporters. The United States and Canada are merely customers. Americans buy slave sweatshop products and even fly all over the world to visit human trafficked brothels in places such as Thailand and Singapore.

The United States government has recognized human trafficking as slavery and therefore a federal crime. They have taken a firm stand against it within US borders and even beyond. Title 18 of the United States Code, Section 1584 makes it a crime to force a person to work against his or her will, whether the compulsion is affected by the use of force, threat of force, threat of legal coercion or a climate of fear. Section 1581 also makes it illegal to force a person to work for debt servitude.

Human trafficking, as it relates to involuntary servitude and slavery, is prohibited by the 13th Amendment to the Constitution. Federal laws on human trafficking are strictly enforced by the United States Department of Justice Civil Rights Division, Criminal Section, and life sentences can be imposed.

As Zoroastrians, it is our duty to help fight injustices in the world. Basic Zoroastrian principles have prohibited slavery since the dawn of the religion. Nearly 5,000 years ago Zoroastrians created the world's first Bill of Rights for all of mankind, proclaiming ideas of 'free will' and basic rights of all humanity, causing Zoroastrian kings to free slaves and right the wrongs of other peoples.

Today we still have the power to fight evil by writing to our local Congress representatives asking for more actions against this 'new' slavery. The powerful images of blacks with whips and chains have been replaced by those of overcrowded basements and little girls being beaten. But rest assured the evil of slavery is still very much alive.

Forget Harvard one of the world's best undergraduate colleges is in Iran

Excerpt from an article by Afshin Molavi, Newsweek

Stanford University's Electrical Engineering Department were startled when a group of foreign students aced the notoriously difficult Ph.D. entrance exam, getting some of the highest scores ever. That the whiz kids weren't American wasn't odd; students from Asia and elsewhere excel in U.S. programs. The surprising thing, say Stanford administrators, is that the majority came from one country and one school: Sharif University of Science and Technology in Iran.

Stanford has become a favorite destination of Sharif grads. Bruce A. Wooley, a former chair of the Electrical Engineering Department, has said that's because Sharif now has one of the best undergraduate electrical-engineering programs in the world. That's no small praise given its competition: MIT, Caltech and Stanford in the United States, Tsinghua in China, and Cambridge in Britain.

Sharif's reputation highlights how Iranian students are developing an international reputation as science superstars. Stanford's administrators aren't the only ones to notice. Universities across Canada and Australia, where visa restrictions are lower, report a big boom in the Iranian recruits; Canada has seen its total number of Iranian students grow 240 percent since 1985, while Australian press reports point to a fivefold increase over the past five years, to nearly 1,500.

Iranian students from Sharif and other top schools, such as the University of Tehran and the Isfahan University of Technology, have also become major players in the international Science Olympics, taking home trophies in physics, mathematics, chemistry and robotics. As a testament to this newfound success, the Iranian city of Isfahan recently hosted the International Physics Olympiad — an honor no other Middle Eastern country has enjoyed. That's because none of Iran's neighbors can match the quality of its scholars.

Never far behind, Western tech companies have also started snatching them up. Silicon Valley companies from Google to Yahoo now employ hundreds of Iranian grads, as do research institutes throughout the West. Olympiad winners are especially attractive; according to the Iranian press, up to 90 percent of them now leave the country for graduate school or work abroad.

So what explains Iran's record, and that of Sharif in particular? The country suffers from many serious ills, such as chronic inflation, stagnant wages and an anemic private sector, thanks to poor economic management and a weak regulatory environment. Univer-



sity professors barely make ends meet — the pay is so bad some must even take second jobs as taxi drivers or petty traders. International sanctions also make life difficult, delaying the importation of scientific equipment, for example, and increasing isolation. Until recently, Iranians were banned from publishing in the journals of the Institute for Electrical and Electronics Engineers (IEEE), the industry's key international professional association. They also face the indignity of often having their visa applications refused when they try to attend conferences in the West.

Yet Sharif and its ilk continue to thrive. Part of the explanation,

says Mohammad Mansouri, a Sharif grad ('97) who's now a professor in New York, lies in the tendency of Iranian parents to push their kids into medicine or engineering as opposed to other fields, like law. Sharif also has an extremely rigorous selection process. Every year some 1.5 million Iranian high-school students take college-entrance exams. Of those, only about 10 percent make it to the prestigious state schools, with the top one percent generally choosing science and finding their way to top spots such as Sharif. 'The selection process [gives] universities like Sharif the smartest, most motivated and hardworking students' in the country, Mansouri says.

Sharif also boasts an excellent faculty. The university was founded in 1965 by the shah, who wanted to build a topnotch science and technology institute. The school was set up under the guidance of MIT advisers, and many of the current faculty studied in the United States (during the shah's era, Iranians made up the largest group of foreign students at U.S. schools, according to the Institute of International Education). Another secret of Sharif's success is Iran's high-school system, which places a premium on science and exposes students to subjects Americans don't encounter until college. This tradition of advanced studies extends into undergraduate programs, with Mansouri and others saying they were taught subjects in college that U.S. schools provide only to grad students.

Molavi has reported from Iran for The Washington Post and Reuters, and is the author of *The Soul of Iran*.

Source: <http://www.newsweek.com/id/151684>

PHILOSOPHY

The existence of evil

By MN Dhalla, PhD, LittD

The existence of evil is the pivotal problem of the philosophy of life. The data upon which all seekers after truth based their search were furnished by nature, and its workings as they affected man, man himself in his relations to his fellowmen, and the hidden forces controlling all activities.

Benevolent and bountiful nature feeds and shelters, delights and heartens, comforts and consoles, enlivens and inspires man. Man has sung praises of its exquisite beauty and wonderful fullness. He has paid homage to its majestic grandeur, and has worshipped it for the boons granted from its inexhaustible riches.

In the midst of vast nature stands man, speaker among the speechless, thinker among the thoughtless, sole possessor of reason, mighty in mind, reaching the remotest past and future in thought, traversing heaven and earth at a flash of mind, wielder of power over the length of the earth, the crown of creation. The glory of God, sublime in spirit, noble generous, truthful, righteous, an angel in flesh, an earthy god.

But nature has its frightful freaks. When secure in her beneficence, man pursues his round of life. But without a word or a gesture of warning, nature often assumes a malevolent aspect, and with appalling suddenness, hurls him to destruction and death. Her

deadly convulsions spread instantaneous desolation. Her earthquakes bury whole populations and their possessions. The gushing waters of her inundations carry human beings and animals before them. Her volcanoes emit molten masses, liquid fire, to scorch and burn precious lives, and devastate the accumulated wealth of industrious peoples. She breeds loathsome diseases and plagues, blasts lives with leprosy and lunacy, small-pox and fevers, and permits myriad maladies, the forerunners of agony, disablement and death. Her wild beasts and venomous monsters batten insatiably on human life.

Often also she withholds from the earth, the prime essentials of living, food and water, and wields the terrors of famine and starvation. In her malevolent mood, nature thus becomes man's formidable foe, which looses death to hold carnival upon earth. As Schopenhauer says, she is ruthless, callous, and capricious.

Yet hostile though nature is at times, man has ever been a deadlier enemy to himself. Man's inhumanity to man is the root of human misery in the world; wavering between extremes of his dual nature, human and bestial. When the beast triumphs in man, suppressing his true humanity, the man-beast appears, a creature immeasurably worse than the wildest beast of jungle. This tiny two legged animal, because he can think and scheme with perverted reason, works a hundred times greater havoc than the catastrophes and cataclysms of nature.

When he acts the beast, man is a monster among creatures, vain, vile, vindictive, jealous, envious, vicious, cruel, and murderous; a brigand, a liar, a demon in flesh, an earthly Satan.

Source: 'Our Perfecting World', Zarathushtra's Way of Life, New York, Oxford University Press, 1930

Polish President honors Iranian Filmmaker

By Ryszard Antolak



Iranian film director Khosrow Sinai has been awarded the prestigious Knights Cross of the Order of Merit of the Polish Republic. At a ceremony this June in the Polish capital, the country's president Lech Kaczynski bestowed the honor on the Iranian filmmaker, in recognition of his services to the Polish Nation, and in particular for his documentary *The Lost Requiem*, made in 1982. Also honored were five Iranian citizens of Polish descent, survivors of the Polish Exodus living in Iran. They are: Fatemeh Fazelishahir, Maria Bajdan, Fatemeh Wandeh Vashi, Eleonora Barska and Helena Stelmach. Each was awarded the Siberian Cross.

The Lost Requiem tells the story of the war-time arrival in Iran of hundreds of thousands of Poles released from the Soviet labor camps of Siberia. During the two months of April and August 1942, ships crammed with emaciated men, women and children arrived daily at the Caspian port of Anzali. Their condition was desperate.

Within weeks of their arrival, thousands had died from malnutrition, malaria and typhus. The healthy young men were evacuated immediately to Syria and Lebanon to aid the allied forces against Hitler. The remainder (mostly women and children) remained in Iranian refugee camps for up to three years before being evacuated to camps in East Africa, New Zealand and India. But a significant proportion decided to remain behind in Iran for good, and their stories are recounted

in Sinai's documentary.

Such a ceremony in the Polish capital would have been unthinkable just 20 years ago. Until as recently as 1989, it was forbidden to refer to the Polish Exodus in the Russian-dominated Polish media. In the West, things were scarcely better. The British and US governments, who had secretly betrayed their ally Poland to the Soviets at the Tehran Conference in 1943, continued to collude together for almost 50 years to cover up (or obfuscate) knowledge of the events. Almost alone among international filmmakers, Khosrow Sinai labored to bring the matter to the public domain.

It was an uphill struggle. Even today, the film is not on general release and is available only on DVDs distributed privately.

The medal of the Order of Merit is a five-armed red and white cross emblazoned with a Polish eagle and suspended from a dark blue ribbon.

Source: IranDokht

Iranian civilization awes Kiwis



The historical documentary film *Iran, Seven Faces of a Civilization* has drawn dozens of Kiwis to the capital of Wellington. The film is the Iranian documentary maker Farzin Rezaeian's latest work, which portrays the country's 7,000-year-old history, art, culture and architecture.

Iran, Seven Faces of a Civilization was screened during a ceremony at Wellington's

Te Papa museum and at the Lincoln University. The director of the Te Papa Museum, Seddon Bennington delivered a speech about Iran's history and civilization, announcing that the museum would hold exhibitions of ancient Persian artifacts.

Iran's charge d'affaires (ad interim) in New Zealand, Ali Baqer Nemati said that such films and gatherings could promote peace, fellowship and dialogue.

Iran, Seven Faces of a Civilization is accompanied by a book of the same title, which beautifully reconstructs major Persian monuments based on historical and archaeological information.

Source: IMA

Gate of the Orient opens in Spain



An Iranian festival entitled 'Iran-Persia, the Gate of the Orient' took place in the Spanish city of Vitoria from 19 to 24 August. The event was held by the Vitoria municipality and co-sponsored by Iran's cultural attaché office in Spain, the University of the Basque Country, and other Spanish organizations.

At the opening ceremony, the deputy mayor of Vitoria, Juan Carlos Alonso, said that the event aimed to introduce the citizens of Vitoria to Persian culture and civilization. He mentioned that several cultural festivals from other places, including Mexico, China, Japan, Egypt and Rome, had been held in the city previously, and this year's edition was dedicated to Iran as one of the world's centers of culture and civilization.

'The municipality has spent over €86,000 for the event, which indicates the importance of holding such events,' he claimed.

Iran's cultural attaché in Spain, Seyyed Ahmadreza Khezri said during the ceremony that Iran and Spain are two countries which are cradles of the world's culture and civilization, and their relationship dates back hundreds of years.

Although the two countries are involved in numerous economic activities, making Spanish people acquainted with Iranian commodities, they do not have much knowledge of Iran's cultural heritage or of its identity, he lamented.

Not only ordinary Spanish people, but also many Spanish academics, he added, consider Iran an Arab country, and so they call Persian luminaries like Khayyam, Rhazes and Ghazali Arab figures. In this way, they overlook the important role of Iran in developing world civilization. He added that events such as this one help to present a true picture of Iran for Spanish society and correct the stereotypes drawn by the western mass media. 'Iranians bring a message of peace, friendship, equality and love for the whole world,' he concluded.

During the gala, visitors learned about the religion, art, customs and cuisine of Iranians from the time of the Persian Empire until contemporary era, through workshops, exhibitions, poetry recitals, concerts, film festivals, seminars and concerts.

Source: Meher Agency

Samantha Tajik crowned Miss Universe Canada



Samantha Tajik, 24, was born in Iran. At the age of two, she moved to Canada and grew up in Vancouver with her parents and younger brother. She then moved to Toronto, where she commenced her modeling career.

One of Samantha's attributes is that she possesses great leadership skills. She has been able to create many social events in Toronto's competitive entertainment industry by managing and directing. Being a young woman and entering the difficult and demanding world of business, Samantha has stood out as an ambitious and fearless businesswoman. Samantha identifies her duties as a caring citizen and shows this through helping out in her community. She has encouraged others and relentlessly reminds them that you do not need to be paid for volunteering because your work is priceless. Helping out in her commu-

nity is not an obligation for Samantha, it's a choice.

There are many reasons why Samantha has always dreamed of being part of Miss Universe and representing Canada. Being the representative of such a beautiful and welcoming country would be an honorary experience that would never be forgotten.

Other contestants included Sahar Biniaz, who was born in India and grew up in Iran. She won the first runner-up title. Sahra Khoshnavazi was among the top 20 contestants, while Pauline Ranjbar tied for the title of Miss Congeniality.

Childhood 'toy' revealed as ancient Persian relic



An ancient gold cup mysteriously acquired by a scrap metal dealer from the English town of Taunton is expected to fetch some £500,000 (\$1 million) at auction, after languishing for years in a shoe box under its current owner's bed.

Owner John Webber says his grandfather gave him the 5.5-inch-high (14-centimeter) mug to play with when he was a child, back in 1945.

He assumed the golden cup, which is decorated with the heads of two women facing in opposite direc-

tions, their foreheads garlanded with two knotted snakes, was made from brass. But he decided to get it valued when he was moving house last year and was told it was actually a rare piece of ancient Iranian treasure, beaten out of a single sheet of gold hundreds of years before the birth of Jesus Christ.

Experts said the method of manufacture and the composition of the gold was 'consistent with the Zoroastrian Achaemenid gold and gold smithing' dating back to the third or fourth century BC.

The Iranian Achaemenid empire, the first of the Iranian empires to rule over significant portions of the world, was destroyed by Alexander the Great in 330 BC.

Auction house Duke's in Dorchester, south-west England, will put the cup under the hammer on June 5, with an estimate of £500,000.

Webber, 70, told The Guardian newspaper that his grandfather had a 'good eye' for antiques and picked up 'all sorts' as he plied his trade in the town of Taunton in south-west England. 'Heaven knows where he got this, he never said,' he added, revealing that as a child, he used the cup for target practice with his air gun.

Source: news.yahoo.com

Synchrotron light unveils oil in ancient paintings from Bamiyan

The international community was in shock when, in 2001, the Taliban destroyed two ancient colossal Buddha statues in the Afghan region of Bamiyan. Behind those statues are caves decorated with precious paintings from fifth to ninth century CE.

The caves have suffered from Taliban destruction, as well as from a severe natural environment, but today they have become the source of a major discovery. Scientists have proved, thanks to experiments performed at the European Synchrotron Radiation Facility (ESRF), that the paintings were made of oil, hundreds of years before the technique was 'invented' in Europe. Results were published recently in the peer-reviewed Journal of Analytical Atomic Spectrometry.

In many European history and art books, oil painting is said to have started in the 15th century in Europe. But scientists from the National Research Institute for Cultural Properties in Tokyo (Japan), the Centre of Research and Restoration of the French Museums (CNRS, France), the Getty Conservation Institute (United States), and the ESRF have recently identified drying oils in some of the samples they studied from the Bamiyan caves. Painted in the mid-seventh century CE, the murals show scenes with Buddhas in vermilion robes sitting cross-legged amid palm leaves and mythical creatures. The scientists discovered that 12 out of the 50 caves were painted with an oil painting technique, using perhaps walnut and poppy seed drying oils.

A combination of synchrotron techniques such as infrared micro-spectroscopy, micro X-ray fluorescence, micro X-ray absorption spectroscopy, or micro X-ray diffraction was crucial for the outcome of the work.

'On one hand,' Marine Cotte, a research scientist at CNRS and an ESRF scientific collaborator explains, 'the paintings are arranged as superposition of multiple layers, which can be very thin. The micrometric beam provided by synchrotron sources was hence essential to analyze separately each of these layers.'

'On the other hand, these paintings are made with inorganic pigments mixed in organic binders, so we needed different techniques to get the full picture.'

The results showed a high diversity of pigments as well as binders, and the scientists identified original ingredients and alteration compounds. Apart from oil-based paint layers, some of the layers were made of natural resins, proteins, gums and, in some cases, a



resinous, varnish-like layer.

Protein-based material can indicate the use of hide glue or egg. Within the various pigments, the scientists found a high use of lead whites. These lead carbonates have often been used, from antiquity up to modern times, not only in paintings but also in cosmetics as face whiteners.

'This is the earliest clear example of oil paintings in the world,' explains Yoko Taniguchi, leader of the team, 'although drying oils were already used

by ancient Romans and Egyptians, but only as medicines and cosmetics.'

The paintings are probably the work of artists who traveled on the Silk Road, the ancient trade route between China, across Central Asia's desert to the West. However, there have been very few studies about this region.

'For political reasons, research on paintings in Central Asia is scarce,' says Taniguchi. 'We were fortunate to get the opportunity from UNESCO to study these samples, as a part of conservation project for the World Heritage site Bamiyan, and we hope that future research may provide deeper understanding of the painting techniques along the Silk Road and the Eurasian area.'

The results were presented in a scientific conference in Japan last January.

(Source: CAIS News)

Picture captions:

1. Researchers taking samples from the caves. (National Research Institute for Cultural Properties, Tokyo)
2. Scientists picking up samples from the Bamiyan caves. Cross-sections of the samples were analyzed using synchrotron radiation. (National Research Institute for Cultural Properties, Tokyo, ESRF and Marine Cotte, J. Anal. At. Spectrom., 2008, 23, DOI: 10.1039/b801358f)
- 3/4. Details of paintings in Bamiyan. (National Research Institute for Cultural Properties, Tokyo)

Di Scala's Herodotus translated into Persian

Iranian scholar Mohammad Baqaii has recently completed a Persian translation of Herodotus' The Persian Wars, which was authored by the US scholar Spencer Di Scala. Professor Di Scala, who is a lecturer in history at the University of Massachusetts Boston, has spent 12 years writing the book, which censures Herodotus' The Histories. The Persian version of the book will be released next week.

The Histories is a record of Herodotus' inquiries into the origins of the Greco-Persian Wars that occurred in 490 and 480-479 BCE.

'Since a major part of the book is dedicated to the Greco-Persian Wars, it has constantly been criticized by Iranian historians and scholars over time,' Baqaii told the Mehr News Agency on Wednesday.

'Prominent figures like Moshir uldoleh Pirnia, Ahmad Kasravi, and Hassan Taqizadeh have also authored criticisms of it and have rejected Herodotus' views in the book,' he added. 'In his book, Di Scala confirms the views of the above-mentioned Iranian scholars by providing new evidence and reasoning, and also argues that all Herodotus' remarks on Darius the Great and Xerxes I are blatant lies and completely tendentious,' Baqaii explained. 'According to Di Scala, Herodotus should not be considered as "father of history", but he should be regarded as the father of liars,' he noted.

The Persian translation of The Persian Wars by Herodotus, which consists of nine chapters, is published by the Yadavaran Publishing Company.

Source: Circle of Ancient Iranian Studies (CAIS)

Iranian signs with NBA team



For the second time this offseason, the Memphis Grizzlies went overseas to address their vacancy at the center position. The Memphis Commercial Appeal reported that the Grizzlies signed 7ft 2in Iranian center Hamed Haddadi, just over a week after the

NBA cleared all the immigration hurdles and received government approval.

While terms of the deal were not disclosed, sources stated that he signed a multi-year deal equivalent to that of a mid-first-round draft pick.

After joining his countrymen at the Rocky Mountain Revue Summer League, Haddadi burst onto the scene when he became the only player to average a double-double (16.6 points, 11.2 rebounds, 2.6 blocks) during the Beijing Olympics.

Earlier in the offseason, Memphis signed Spanish center Marc Gasol, brother of former Grizzlies star Pau Gasol.

Haddadi will become the first Iranian to play in the NBA after spending the 2007-08 season playing for Saba Battery in the Iranian Super League.

Source: Yahoo News

Let the Game Begin!

By Tehran

2008 has become known as the Year of the Olympics. The temperature was scorching hot as champions from all over the world converged on a tiny metropolis. Competitors fought valiantly in search of gold. Men and women, blood and sweat, smiles and tears have decorated this event for years and will for years to come. The opening ceremony was unanimously declared magnificent, possibly the best ever. The spectators outdid themselves, blaring in the stands at decibels louder than the ear can stand. Everyone found a new favorite. Old rivalries were renewed as old enemies were made into new friends. San Diego will never be the same again.

Wait!!! Did he say San Diego???



While the rest of the world's eyes rested on Beijing, roughly 1,500 Zoroastrians were in attendance in sunny San Diego this Fourth of July weekend. The reason: the 11th Zarathushti Games, more commonly known as the Z Olympics. With nearly 600 participants, ranging in age from seven to 62, and with a male to female ratio of only 2:1, the 11th Zarathushti Games was a complete and total success.

San Diego is a long road from the first Zarathushti Games, which took place in a Los Angeles high school gym the summer of 1988, with less than 35 total participants. This year's Games, held at the beautiful University of San Diego campus, hosted 590 participants, 60 youths, 80 volunteers, 25 different events ranging from volleyball to track and field, and amazing nightly gatherings with 1,200 people in attendance. With players from 17 different states and seven different countries we can officially say, 'We have come a LONG way.' Special thanks to Bijan Khosraviani, whose dream for a community has officially become a reality.

During the day, the heat and the competition were grueling. San Diego's lovely weather was no match for the sweat of the players. The palm trees offered no shade for the defeated. Temperatures actually went up higher indoors, especially at the volleyball nets and the basketball courts, both incredibly competitive sports. There was no relief in the waters as the swimmers took to their starting points and dove for a championship. The pavement offered no compassion either, as the track and fielders ran over 20 miles of events. Tennis matches were epic and even ping pong caused an uproar as paddles were flying and balls were pounced. The nature of competition was very much alive.

At nights the players and the crowd alike took pleasure in the wonderful array of events provided for them by the ZSC and San Diego host committee whose hard work, planning, and dedication could not go unnoticed. Thursday night's event brought a little 'chill' to the games. Barbecue on the beach is a pastime anyone can appreciate. As the young ones ran, the teenagers mingled, the older ones caught up, the elders told stories, and everyone ate. The beach offered a sense of togetherness and ambience that only the Z Games can offer. Friday night was the night before the play-offs. TIME TO PARTY! Everyone gathered on USD's promenade to wonderful food and a fiery display of fireworks. The true explosion was the sounds of DJ AL who kept the party going to the wee hours of the morning. Song after song, dance after dance, the promenade party was almost as tiring to the players as the games themselves.

Just when you thought it could not get any better, everyone came out looking their best Saturday night at the luxurious Hilton's Ballroom. Even security couldn't have stopped the excitement of Sandy taking the stage. Axis of Evil Comedian K-Von delivered some laughs as the party resumed and was finished off by DJ AL. Shuttles took the reluctant crowd back to campus as everyone prepared for the championship games.

With some of the most brilliant finishes in Z Games history, the finals were the most exciting ever. With hard-fought blocks and volleys, Team Meigu captured the gold in volleyball, followed by Mehr San Diego and Koolak. In basketball a new champion



emerged in Team Los Angeles as they narrowly beat reigning champions Team Vesta, followed by Brady Bunch. Kambiz Goshtasbi and Tina Kaviani bested for the gold in male and female tennis. Jamshid Khodavandi and Sima Namiri went for the gold in the male and female 1600 meter track. Kaveh Bastani and Taraneh Bastani gave Michael Phelps a run for his money in the swimming events, as they walked away with two gold medals apiece. Bahramjee Ghadially received gold for his efforts in ping pong.

The true triumph of gold goes to Mehraban Amanat and Simin Khodayari who both ran record times for the gold in the 1000 meters race for the 50+. While many 20 year olds could not complete the race, let alone receive their times, we must applaud their efforts, showing you never get old, you just get wiser.

However the true story of the Z Games is the youth who participated. Receiving the most cheers and support were the children under 14, who came out with the help of their families to be active in this year's Games.

Brady Bunch Jr., Atash, and Shahab placed first, second and third in youth basketball. Neekta Mehrkhodavandi, Aundia Dianat, and Kamilia Nosrat were super fast as they won medals for track youth girls 7-9. Autusa Behroozi, Keemia Kasravi, and Vista Farkhondeh ran like cheetahs, winning medals in track youth girls 10-11. Sarah Kasravi and Hilda Kasravi medaled in track youth girls 12-14.

For the boys Bijan Rosen, Aurad Kamkar, and Shahab Banki were flying, medaling in track youth boys 7-9. Khashayar Goshtasbi, Arash Goshtasbi, and Vespan Vafadari all were amazing, medaling in track youth boys 10-11. Khodayar Goshtasbi, Pouyan Poursfandiari, and Darius Bhadha were superb in track youth boys 12-14. Even the swimmers showed up as Bahman Engineer, Bijan Rosen, Darius Bhadha, and Alec Bahrapour medaled in youth swim 25 and 50 meters.

For the girls Shadan Irani, Abrisham Khosraviani, and Ryeka Namiri all swam away with medals in youth swim 25 and 50 meters. If the children are our future then our future is looking very bright indeed. For more details, pictures, and medal information please check the website www.zathletics.com.

We had many winners but not a single loser at this year's 11th Zarathushti Games in San Diego, including the spectators who won apple iPod prizes for answering history questions correctly. But the biggest winner of all was YOU, the community members who came to support our children, our families, and our friends. The Z Games as always is more about commitment than competition; the commitment to the future of our Zoroastrian community. There are so many people to thank. We thank those who came from 17 states and seven different countries to attend. We thank those who flew from Australia, Germany, the United Kingdom, France, Canada, and Tajikistan to be with us. We thank those who donated time, effort,



and money for us all to benefit in the process. We thank the San Diego host committee for helping put together such a wonderful event. We thank ZSC president Niaz Kasravi, vice president Behnaz Dianat, and all the members of ZSC, without whom this wouldn't be possible. We thank FEZANA for

supporting us. Most importantly we thank you, the members of our community who came or attempted to come to be a part of history in the making. By donating your time to our community you have blessed us all with hope. As the Z Games grow so does our community, encompassing a wide variety of people from a wide variety of countries, all coming together as one, in Unity.

I look forward to seeing you all again very soon in September 2009 at the 6th Unity Cup Soccer Tournament in California. I look forward to playing again in the 12th Zarathushti Games of 2010 in Los Angeles. I look forward to being with you all every day. Thank you.